آسیب‌شناسی رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر با تأکید بر آموزه‌های نهج‌البلاغه

معظم رشیدی

کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث

MDOI-02-2026.0566
MNR-587-2-7F7456

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از ارکان اسلام و ضامن بقای ارزش‌های متعالی و اخلاقی در جامعه است. در حیطه امر به معروف و نهی از منکر، آمران و ناهیان یکی از ارکان آنها هستند که در آیات و روایات جایگاه والایی دارند. این پژوهش، با رویکرد توصیفی، تحلیلی و با هدف مطالعه و شناخت آسیب‌های رفتاری آمران و ناهیان، تدوین یافته است. سؤال این است که در رفتار آمران و ناهیان چه آسیب‌هایی وجود دارد و راه‌های اصلاحی آنان چیست؟ یافته‌های این پژوهش، حاکی از این است که شناخت آسیب‌های رفتاری در حقیقت به جایگاه و نقش ایشان در جامعه در جهت نهادینه‌شدن ارزش‌ها، رفع نقص‌ها و ضعف‌ها باز می‌گردد. تعارض در گفتار و کردار، عدم تعهد و بی‌موالاتی آمران و ناهیان و... از موارد آسیب‌های رفتاری، پیرامون شیوه‌های رفتاری و گفتاری مستقیم است و برخی مربوط به مطالعه و شناخت آسیب‌های رفتاری غیرمستقیم، درباره شخصیت و اخلاق آمران می‌باشد، مانند؛ علم عالم بی‌عمل، ریا، تکبر و... در حیطه امر و نهی است. بنابراین شناخت آسیب‌های رفتاری آمران و ناهیان و بررسی آسیب‌های آنان در حیطه امر و نهی، برای آسیب‌زدایی و رفع ضعف‌ها ضرورت دارد. آسیب‌زدایی بهترین راه شناخت آسیب‌ها، مانند: هماهنگ بودن حرف و عمل، متخلق شدن آمران و ناهیان به صفاتی مانند: آگاهی و بصیرت، صبر و اراده قوی، و به کارگیری شیوه‌های مؤثر در حیطه امر و نهی (از اعم از گفتاری، رفتاری، نوشتاری)، که عبارتند از: نرم گفتار، اختصار در بیان موضوع، تکرار و تداوم امر و نهی و... است که باعث توسعه و گسترش فضایل و ارزش‌های انسانی و نفی ضد ارزش‌ها در جامعه خواهد بود.

کلیدواژه: امر به معروف، نهی از منکر، آمر، ناهی، شیوه‌های گفتاری، شیوه‌های رفتاری، آسیب‌های اخلاقی

مقدمه

امر به معروف و نهی از منکر در آموزه‌های اسلامی از جمله مهم‌ترین فرائض می‌باشد که باعث برپایی دیگر فرائض می‌گردد. در نظام اعتقادی اسلام، انسان به عنوان جزئی مستقل از دیگران نیست، بلکه انسان دارای حیاتی جمعی و زندگی اجتماعی است. علاوه بر مسئولیت داشتن نسبت به عملکرد خویش در برخورد با دیگر اعضای این جامعه انسانی هم تکالیفی بر عهده دارد. از سوی دیگر اقتضای طبیعی انسان، گرایش به شهوات و تمایلات نفسانی است، او همواره در معرض تندادن به انواع رذایل و آلودگی‌ها، تجاوز به حقوق دیگران، افتادن در ورطه هلاکت و گمراهی است و به این دلیل بود که خداوند رسولان خویش را با شرایع و برنامه‌های آسمانی به مدد انسان فرستاد تا او را در مهار نمودن این طبیعت سرکش و تزکیه نفس طغیانگر، یاری رسانده و هدایت و تربیت او را در تنگناهای زندگی مادی به سوی خیر و صلاح دو جهان عهده‌دار شوند.شناخت آسیب‌های رفتاری و گفتاری مسلمانان در جامعه اسلامی و بررسی کارنامه آنان در امر به معروف و نهی از منکر برای آسیب‌زدایی و رفع ضعف‌ها ضرورت دارد. باید آسیب‌ها و خطرات را شناخت و برطرف نمود. شناسایی عوامل بازدارنده امر به معروف و نهی از منکر و آگاهی از موانع اجرا و عمل به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر برای احیای امر به معروف و نهی از منکر، لازم است. توانمندسازی جوامع اسلامی در امر به معروف و نهی از منکر، نیازمند شناخت دردها و آسیب‌ها و تلاش در راه درمان دردها و

اقدام بر آسیب‌زدایی است. آسیب‌شناسی وضعیت مسلمانان در ارتباط با امر به معروف و نهی از منکر از راه‌های گوناگون امکان‌پذیر است، راه برتر و قطعی برای آسیب‌شناسی رفتاری دینی مسلمانان بهره‌گیری از گنجینه بی‌نظیر احادیث اهل بیت (علیهم السلام) و سنجش، مقایسه و تطبیق با رفتار و گفتار آنان است. در این نوشتار برای تأثیر بیشتر امر و نهی، علاوه بر بررسی آسیب‌های رفتاری، برخی از شیوه‌های مؤثر ارائه شده است.دارای اصولی اعتقادی و عملی است، که مهم‌ترین اصل اعتقادی آن توحید و مهم‌ترین اصل عملی آن امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا با عمل به چنین فریضه‌هایی است که سایر احکام الهی احیا و اجرا می‌گردد و زشتی‌ها از چهره جامعه و زندگی مسلمانان زدوده می‌شود و حضور ضروری صالحان در جامعه تثبیت می‌گردد.امر به معروف و نهی از منکر، دو گنجینه الهی با همه ذخایر گران قدر خود، همواره در زیر طبقات سهل‌انگاری‌ها، فراموشی‌ها و غفلت‌ها، مدفون شده است. ممکن است علل و عمده این مسائل، عدم شناخت آگاهی و به کارگیری بعضی از رفتارها و شیوه‌های نادرست برخی آمران و ناهیان باشد. وجود این آسیب در برخی آمران و ناهیان می‌تواند در انحراف جامعه نقش داشته باشد لذا شناخت آسیب‌ها در رفتار آمران و ناهیان دستمایه خوبی برای پیشگیری از آفت‌زدایی در اشاعه امر و نهی در جامعه اسلامی است.بحث آسیب‌شناسی رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر نظر به بررسی رفتارهای آمران و ناهیان در جهت امر و نهی دارد و این تحقیق در نظر دارد از طریق آیات و روایات علاوه بر شناساندن آسیب‌های رفتاری در راستای امر و نهی به آمران و ناهیان شیوه‌های صحیح را به آنان ارائه دهد تا از طریق آنان بتوانند تأثیر بسزایی در پیشبرد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی داشته باشند.اهمیت و ضرورت بحث درباره آسیب‌شناسی آمران و ناهیان، در حقیقت به جایگاه و نقش ایشان در جامعه جهت نهادینه نمودن ارزش‌ها باز می‌گردد. چرا که واقعیت این است که زندگی معنا و حقیقت خود را در پرتو حاکمیت ارزش‌هایی با صبغه دینی می‌یابد و انسان با پذیرش این امور و اطاعت از تعالیم آن به عالی‌ترین کمالات می‌رسد؛ چنان که از دیدگاه اسلامی نیز ارزش‌ها و عمل به آنان محافظت کننده انسان از کژی و انحراف است؛ حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اَلّذِینَ یَعْصِمُ»؛ رعایت دین و اهتمام در امور آن فرد را از حسرت و ندامت روز جزا و همچنین از خفت و ذلت در دنیا، او را حفظ می‌کند. زیرا این ارزش‌ها برخاسته از دینی است که برترین ستون و تکیه‌گاه آدمی است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اَلّذِینَ اقوی عِما د».لذا با اندک تأملی، ضرورت بحث درباره آسیب‌شناسی پیرامون آمران و ناهیان و عملکرد آنان معلوم می‌شود؛ چرا که وجود آسیب در هر یک از ایشان می‌تواند در انحراف جامعه نقش‌آفرین باشد. از این رو شناخت آسیب‌ها در آمران و ناهیان می‌تواند دستمایه خوبی برای پیشگیری از آفت‌زدایی در اشاعه امر به معروف و نهی از منکر و نیز بسط، ترویج، توسعه و در نهایت، نهادینه شدن این فرهنگ باشد، چنانکه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید؛ «مَنْ لَمْ یَعْرِفْ مَصْ تَرَةَ الشّرِّ لَمْ یَقْدِزْ عَلَی الِ امْتِنَاعِ مِنْه» هرکس زبان چیزی را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست.بنابراین شناخت و مطالعه «آسیب‌شناسی آمران و ناهیان» بدون توجه به برخی از نشانه‌های آسیب‌مند در آمران و ناهیان کاری ناقص است. در این گفتار بخشی از آسیب‌های آمران و ناهیان، که پیرامون شیوه‌های رفتاری و گفتاری مستقیم ایشان است با عنوان؛ آسیب‌های رفتاری مستقیم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱. کلیات تحقیق

۱-۱. تبیین موضوع

امر به معروف و نهی از منکر در آموزه‌های اسلامی از جمله مهم‌ترین فرائض می‌باشد که باعث برپایی دیگر فرائض می‌گردد. در نظام اعتقادی اسلام، انسان به عنوان جزئی مستقل از دیگران نیست، بلکه انسان دارای حیاتی جمعی و زندگی اجتماعی است. علاوه بر مسئولیت داشتن نسبت به عملکرد خویش در برخورد با دیگر اعضای این جامعه انسانی هم تکالیفی بر عهده دارد. از

سوی دیگر اقتضای طبیعی انسان، گرایش به شهوات و تمایلات نفسانی است، او همواره در معرض تندادن به انواع رذایل و آلودگی‌ها، تجاوز به حقوق دیگران، افتادن در ورطه هلاکت و گمراهی است و به این دلیل بود که خداوند رسولان خویش را با شرایع و برنامه‌های آسمانی به مدد انسان فرستاد تا او را در مهار نمودن این طبیعت سرکش و تزکیه نفس طغیانگر، یاری رسانده و هدایت و تربیت او را در تنگناهای زندگی مادی به سوی خیر و صلاح دو جهان عهده‌دار شوند.اسلام دارای اصولی اعتقادی و عملی است، که مهم‌ترین اصل اعتقادی آن توحید و مهم‌ترین اصل عملی آن امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا با عمل به چنین فریضه‌هایی است که سایر احکام الهی احیا و اجرا می‌گردد و زشتی‌ها از چهره جامعه و زندگی مسلمانان زدوده می‌شود و حضور ضروری صالحان در جامعه تثبیت می‌گردد.امر به معروف و نهی از منکر، دو گنجینه الهی با همه ذخایر گران قدر خود، همواره در زیر طبقات سهل‌انگاری‌ها، فراموشی‌ها و غفلت‌ها، مدفون شده است. ممکن است علل و عمده این مسائل، عدم شناخت آگاهی و به کارگیری بعضی از رفتارها و شیوه‌های نادرست برخی آمران و ناهیان باشد. وجود این آسیب در برخی آمران و ناهیان می‌تواند در انحراف جامعه نقش داشته باشد لذا شناخت آسیب‌ها در رفتار آمران و ناهیان دستمایه خوبی برای پیشگیری از آفت‌زدایی در اشاعه امر و نهی در جامعه اسلامی است.بحث آسیب‌شناسی رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر نظر به بررسی رفتارهای آمران و ناهیان در جهت امر و نهی دارد و این تحقیق در نظر دارد از طریق آیات و روایات علاوه بر شناساندن آسیب‌های رفتاری در راستای امر و نهی به آمران و ناهیان شیوه‌های صحیح را به آنان ارائه دهد تا از طریق آنان بتوانند تأثیر بسزایی در پیشبرد امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی داشته باشند.

۲-۱. اهمیت و ضرورت

اهمیت و ضرورت بحث درباره آسیب‌شناسی آمران و ناهیان، در حقیقت به جایگاه و نقش ایشان در جامعه جهت نهادینه نمودن ارزش‌ها باز می‌گردد. چرا که واقعیت این است که زندگی معنا و حقیقت خود را در پرتو حاکمیت ارزش‌هایی با صبغه دینی می‌یابد و انسان با پذیرش این امور و اطاعت از تعالیم آن به عالی‌ترین کمالات می‌رسد؛ چنان که از دیدگاه اسلامی نیز ارزش‌ها و عمل به آنان محافظت کننده انسان از کژی و انحراف است؛ حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اَلّذِینَ یَعْصِمُ»؛ رعایت دین و اهتمام در امور آن فرد را از حسرت و ندامت روز جزا و همچنین از خفت و ذلت در دنیا، او را حفظ می‌کند. زیرا این ارزش‌ها برخاسته از دینی است که برترین ستون و تکیه‌گاه آدمی است. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «اَلّذِینَ اقوی عِما د» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۳۵).لذا با اندک تأملی، ضرورت بحث درباره آسیب‌شناسی پیرامون آمران و ناهیان و عملکرد آنان معلوم می‌شود؛ چرا که وجود آسیب در هر یک از ایشان می‌تواند در انحراف جامعه نقش‌آفرین باشد. از این رو شناخت آسیب‌ها در آمران و ناهیان می‌تواند دستمایه خوبی برای پیشگیری از آفت‌زدایی در اشاعه امر به معروف و نهی از منکر و نیز بسط، ترویج، توسعه و در نهایت، نهادینه شدن این فرهنگ باشد، چنانکه امام علی (علیه السلام) می‌فرماید؛ «مَنْ لَمْ یَعْرِفْ مَصْ تَرَةَ الشّرِّ لَمْ یَقْدِزْ عَلَی الِ امْتِنَاعِ مِنْه» هرکس زبان چیزی را نشناسد، قادر به خودداری و پیشگیری از آن نیست (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۱۹۱).بنابراین شناخت و مطالعه «آسیب‌شناسی آمران و ناهیان» بدون توجه به برخی از نشانه‌های آسیب‌مند در آمران و ناهیان کاری ناقص است. در این گفتار بخشی از آسیب‌های آمران و ناهیان، که پیرامون شیوه‌های رفتاری و گفتاری مستقیم ایشان است با عنوان؛ آسیب‌های رفتاری مستقیم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.از سوی دیگر، عدم تأثیر امر و نهی از سوی برخی آمران و ناهیان به علت عدم شناخت معروف و منکر و به کارگیری شیوه‌های نادرست در مقابل معروف‌ها و منکرها می‌باشد. از طرف دیگر آیات قرآن، متقن‌ترین منبع برای ارائه شیوه‌های صحیح در مقابل معروف و منکر می‌باشد و از این رو ضرورت دارد این موضوع بررسی شود.در جامعه اسلامی، نظارت و امر به معروف و نهی از منکر تنها وظیفه امامان و عالمان دین نیست، بلکه بر هر مسلمانی واجب است از خیرخواهی در حق دیگران دریغ نورزد و با تحقق شرایط، مردمان را با گفتار و رفتار از کار ناشایست باز دارد.

۳-۱. اهداف و سؤالات

اهداف این تحقیق عبارتند از:

- تبیین مفهوم معروف، منکر، آمر و ناهی

- تبیین مفهوم رفتار و آسیب رفتاری
- تقسیم آسیب‌های رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر
- تبیین نگرش قرآن، پیرامون آسیب‌شناسی رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر
- ارائه شیوه‌های مؤثر امر و نهی دینی به آمران به معروف و ناهیان از منکر

سؤال اصلی: آسیب‌های رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر و راه‌های اصلاح آن در قرآن و عترت چیست؟

سؤالات فرعی:

۱- مفهوم معروف و منکر چیست؟
۲- مفهوم رفتار و آسیب‌های رفتاری چیست؟
۳- اقسام آسیب‌های رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر چیست؟
۴- نگرش قرآن پیرامون آسیب‌شناسی رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر چیست؟
۵- روش‌ها و شیوه‌های مؤثر امر و نهی چیست؟

۴-۱. پیشینه و روش

فراخواندن انسان‌ها به ارزش‌های سعادت بخش و سازنده و هشدار دادن آنان نسبت به منکرات، نخستین بار توسط خداوند متعال انجام یافته است. شاید بتوان گفت، اولین امر پروردگار درباره انسان، امر او به فرشتگان است که در برابر انسان سجده کنند و نخستین نهی خداوند نیز نهی او به آدم و حوا بوده که مبادا از ثمره درخت مشخص بخورند.علاوه بر این، امر و نهی ریشه در فطرت انسان‌ها دارد، چرا که تمام پدران و مادران در طول تاریخ و در تمام زمان‌ها و مکان‌ها با هر نژاد و طبقه فرزندان خود را به کارهای خوب تشویق نموده و نسبت به کارهای بد هشدار داده، که فراگیری این مسئله نشان از فطری بودن آن را دارد.مایکل آلن کوک، محقق معاصر و مورخ اسلام‌شناس غربی، کتابی با عنوان امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی تألیف کرده که به فارسی ترجمه شده است. در این کتاب با تتبعی گسترده تلاش کرده تا ابعاد اعتقادی، کلامی، اجتماعی، فقهی و اخلاقی، امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه مذاهب و گرایش‌های مختلف اسلامی، از سده‌های آغازین تا دوران معاصر را بر اساس متون اصلی شناخته در این زمینه، گزارش و بررسی کند (کوک، ۱۳۸۵، ص ۱۵).و همچنین گروهی از محدثین با نظر به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر، باب ویژه‌ای را در مجموعه حدیثی خود به آن اختصاص داده‌اند، از جمله؛ امام خمینی(ره) در تحریرالوسیله، جلد دوم، زین الدین بن علی شهید ثانی در کتاب مصباح الشریعه، ترجمه عبدالرزاق گیلانی، در باب ۶۴ در آداب امر به معروف و نهی از منکر، چگونگی امر و نهی کردن را تبیین می‌کند. فضل الله بن علی راوندی کتاب النوادر للراوندی، شرایط امر به معروف و ۲۱۵ کاشانی در صفحه نهی از منکر بیان کرده‌اند، ولی از منظر موضوع رساله حاضر، کمتر سخن به میان آورده‌اند. ولی در این نوشتار تلاش بر این است؛ ضمن شناسایی آسیب‌های رفتاری آمران و ناهیان، شیوه‌های مؤثر از آیات و روایات گرفته تا آمران و ناهیان با شناخت بهتر و به کارگیری درست از این شیوه‌ها در جایگاه امر و نهی تأثیر به سزایی در جامعه داشته و جامعه را به سوی اهداف متعالی، سوق دهد.روش این تحقیق توصیفی و تحلیلی است و در صدد شناخت آسیب‌های رفتاری و بیان شیوه‌های درست آمران و ناهیان در جهت تأثیر بیشتر امر و نهی می‌باشد تا از این طریق ارزش‌های اسلامی را توسعه و جامعه را به اهداف متعالی برساند و اهداف پژوهش ارائه شیوه‌های کاربردی مؤثر در امر و نهی است.از جمله محدودیت‌ها و مشکلات تحقیق، کمبود منابع، به خصوص منابع دست اول مورد نیاز تحقیق و عدم دسترسی به مراکز تحقیقی و پژوهشی بوده است.

۲. مفاهیم و مبانی نظری

۲-۱. مفهوم‌شناسی آسیب و رفتار

آسیب به معنای آفت، بیماری، اختلال و خطر آمده است و آسیب‌شناسی به معنای شناخت درد و رنج و خسارت و در اصطلاح هم به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق می‌شود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده‌ای را تهدید می‌کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می‌دارد. آسیب‌شناسی، اصطلاح جدیدی در حوزه اندیشه دینی است و در مفهوم آسیب‌شناسی، شناخت آسیب‌ها و اشکالاتی است که به اعتقادات و باورهای دینی و یا به آگاهی و معرفت دینی و عملی در یک جامعه دینی وارد می‌شود و یا ممکن است وارد شود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲).آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه و شناخت هر نوع عمل فردی و اجتماعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی و رسمی و غیررسمی جامعه عمل فعالیت کنندگان قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی رو به رو می‌گردد. به همین دلیل منحرفان سعی دارند که انحراف خود را از دید ناظران قانونی اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان نمایند زیرا؛ در غیر این صورت با پیگرد قانونی و طرد اجتماعی مواجه می‌شوند. بنابراین مطالعه و شناخت آسیب‌های اجتماعی و علل و عوامل پیدایی آن‌ها، پیشگیری از وقوع جرم و انحراف در جامعه به منظور بهینه‌سازی محیط زندگی جمعی و خانوادگی، درمان کجروی‌های اجتماعی با شیوه‌ها و روش‌های علمی از مهم‌ترین اهداف آسیب‌شناسی اجتماعی است. پس اگر در جامعه‌ای هنجارها مراعات نشود، کجروی پدید می‌آید و رفتار آسیب می‌بینند (ستوده، ۱۳۷۹، ص ۱۴).رفتار در لغت به معنای راه و روش و سلوک آمده است. برخی از جامعه‌شناسان براین باورند که عوامل زیست‌شناسی و جسمانی افراد، بر رفتارشان تأثیر دارد. ویلیام شلدون، انسان‌شناس جسمانی آمریکایی، کوشید تا شخصیت و رفتار فرد را به نوع بدنش مرتبط سازد. او در تحقیقاتش به این نتیجه رسید، کسی که جسم عضلانی دارد، زورگو، پرتوان و عصبی است. افراد چاق، معمولاً مهربان و آسایش‌طلبند؛ ولی اشخاص استخوانی، بسیار حساس و تا اندازه‌ای گوشه‌گیر هستند (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۵).در جهت مخالف نقطه نظر رفتارگراها، دیدگاهی است که رفتار را در چارچوب ارجاعی کنش یا چارچوب سنجش عمل می‌نگرد. این شیوه تفکر در نظریه «کنش وبر» ریشه یافته است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۵).نیروهای مؤثر بر رفتار فرد عبارتند از: نیروهای مربوط به گذشته انسان که مربوط به اثرات تجربیات گذشته فرد، بر زندگی کنونی او می‌باشد. از یافته‌های تحقیقات روان‌شناسی تحلیلی به‌دست می‌آید: گرایش، طرز تفکر، ارزش‌ها، عاداتی که در کودکی در خانواده به‌وجود می‌آید، اثر نیرومندی بر احساسات و رفتار شخص می‌گذارد. نیروهای مبتنی بر نیازهای روانی: نیاز به احساس امنیت، محبت، تشخص، نیاز به تعلّق و... این نیازها در افراد مختلف به صورت‌ها و قدرت‌های متفاوت ظاهر می‌شوند و حتی در یک شخص واحد در زمان‌های مختلف متفاوت است. نیروهای همبستگی: می‌توان آن‌ها را به‌جهت تعلق خاطرشان به گروه‌هایی که در آن عضویت دارند، نیروهای همبستگی نامید. نیروهایی که از اهداف و آرمان‌ها شکل می‌گیرند: رفتاری که انسان تحت تأثیر ارزش‌ها و آرمان‌هایش انجام می‌دهد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۶).با شناختن علل و نیروهای مؤثر بر رفتار افراد، درک ما از اعمال و رفتار اشخاص بالا رفته و در مواقع لزوم به‌جای طرد، با آن‌ها برخوردی خلاقانه و سازنده خواهیم داشت؛ که این از اهداف پویایی گروهی است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۶).علوم اجتماعی در بررسی رفتار انسانی، دو نوع رهیافت متفاوت به کار بسته است؛ رهیافت ذهنی و کیفی: رفتار انسانی از چشم‌انداز افراد مورد بررسی، درباره رفتارشان، دلیل رفتارهایشان و چگونگی احساسی که در مورد عمل‌شان دارند، پرس‌وجو می‌کند. رهیافت عینی و کمّی: جامعه‌شناس، اعمال افراد مورد بررسی را مشاهده و داده‌هایش را از طریق یک روش منظم، ثبت می‌نماید. در این رهیافت، تجربه ذهنی افراد مورد بررسی، مورد تحلیل قرار نمی‌گیرد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۷-۲۶).به هر فعالیت و عملی که مستلزم در باب محیط یا موقعیت باشد رفتار گویند و به شناخت و رفتارهای ناهنجار در جامعه را آسیب‌شناسی رفتاری می‌گویند، در این تحقیق، مطالعه و شناخت آسیبی که مورد نظر می‌باشد؛ آسیب‌های رفتاری در آمران و ناهیان است که مورد بررسی قرار می‌گیرد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۷).

۲-۲. مفهوم‌شناسی معروف، منکر، آمر و ناهی

امر در لغت دو معنی دارد؛ یکی کار که جمع آن امور است و دیگری دستور و طلب که جمع آن اوامر است. امر در اصطلاح، اسمی است برای هر کاری که با عقل و شریعت نیکو شناخته شده است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۷).آمر در لغت به معنای

امرکننده، فرمان‌دهنده، کارفرما و در اصطلاح «آمر» بر هر امرکننده یا فرمان دهنده به سوی فکر، عمل یا هر چیزی اطلاق می‌شود، اما «آمر» در این نوشتار به معنای فرمان دهنده به سوی ارزش‌های موجود در دین و اعتصام و نهادینه ساختن آن‌هاست. به تعبیر دیگر می‌توان آمر را تبلیغ کننده هر ارزش در اسلام و... دانست که در نهایت آن ایفای تلاش خویش است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۷).با توجه به این آیه شریفه، «تَأَیُّهَا النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاکَ شَاهِداً وَ مُبَشِّراً وَ نَذِیراً» و «وَ دَاعِیًا إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِیراً!» ای پیامبر ما تو را به رسالت فرستادیم تا (بر نیک و بد خلق) گواه باشی و (خوبان را به رحمت الهی) مژده دهی و (بدان را از عذاب خدا) بترسانی. و به اذن حق (خلق را) به سوی خدا دعوت کنی و (در این شب ظلمانی جهان) چراغ فروزان عالم باشی. شاید بتوان آمر را نوعی دعوت کننده به سوی خیرها، خوبی‌ها و ارزش‌ها نیز بدانیم، با این اوصاف او فردی است که به سوی اوامر مطلوب و حق دعوت می‌کند و... نه به سوی دنیا و نه به سوی جاه و مقام و... بلکه او دعوتگر به سوی ارزش‌های خدایی است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۸).بنابراین، «ناهی» یعنی بازدارنده و نهی‌کننده از زشتی‌ها و ضد ارزش‌ها در همه امور دینی و معنویات، که مانع حاکمیت و تثبیت امور معنوی در زندگی انسانها محسوب می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۸).معروف در لغت از ماده «عرف» به معنای شناخته شده است. ابن‌منظور می‌نویسد: «المعروف ما یستحسن من الأفعال و کل ما تعرفه النفس من الخیر و تطمئن الیه»؛ معروف هر کار دارای حسن است و هر کاری از خیر که نفس، آن را شناخته و به آن اطمینان دارد (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص ۲۳۳).معروف در قرآن: معروف حقیقتی شناخته شده است و منکر، در مقابل آن است. معروف، حقیقتی است که انسان مؤمن باید با آن زندگی کند؛ یعنی پندار، گفتار و رفتارش باید بر اساس معروف باشد. وقتی به قرآن مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم که قرآن دوست دارد مسلمانان و مؤمنان بر اساس معروف زندگی کنند، به چند نمونه از آیات «معروف» اشاره می‌کنیم: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» از راه پسندیده پیروی کردن، «... وَ أْتُوا الْبُیُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا...» به خانه‌ها (و به هر کار) از راه آن داخل شوید (قرشی، ۱۳۷۱، ج۴، ص ۳۲۸).بنابراین، معروف در شریعت اسلام این است که مردم آن را به فطرت سلیم می‌دانند. در لغت نامه دهخدا بیان شده که معروف، ضد منکر و هر چیزی است که در شرع پسندیده باشد و گوینده هر آن چه نفس به آن خوشی و آرامش یابد و آن را نیک شمارد (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۱۴، ص ۲۱۱).اصطلاح محدثان معروف، قسمی از مقبول است مقابل آن، منکر گفته‌اند و در اصطلاح نحویان، فعل معلوم را معروف نیز می‌گویند و در مقابل فعل مجهول است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۱۴، ص ۲۱۱).بنابراین هر رفتار رایج و پسندیده مردم، معروف گفته می‌شود و امر به معروف به معنای دستور دادن به رفتارهای پسندیده است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۲۹).منکر در فرهنگ ابجدی، در تعریف منکر بیان شده است؛ المنکر؛ جمع منکرات و مناکر از ریشه (ن ک ر) به معنی ناشناخته است و به آن چه بر خلاف رضای خداوند متعال، اعم از قول یا فعل باشد، منکر گفته می‌شود (بستانی، ۱۳۷۵، ص ۸۷۳).ابن منظور در تعریف «منکر» می‌نویسد: «و المنکر؛ کل ما قبحه الشارع و حرمه و کرهه؛ و منکر هر عملی است که شارع آن را قبیح دانسته و حرام کرده و مکروه دانسته است» (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ج۵، ص ۲۳۳).در لغت نامه دهخدا «منکر» خلاف معروف، غیر معین و غیر محقق بیان شده است. فعل قبیح و ناشایسته و شگفت و امر قبیح که هر که ببیند انکار کند و نامشروع به معنی ناشایسته شده و نهی از منکر بازداشتن از اعمال زشت و قبیح از گناه و اعمال خلاف دین است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج۱۴، ص ۲۱۹۸).منکر به هر رفتار ناشناخته را منکر گویند و چون عموم مردم معمولاً از رفتارهای ناپسند پرهیز می‌کنند، آن رفتارها در میان مردم ناشناخته و منکر است. موارد کاربرد این واژه نیز به تدریج محدود و تنها به رفتارهای ناپسند اطلاق شد؛ بنابراین نهی از منکر، بازداشتن و منع کردن از رفتارهای ناپسند است (داوری، ۱۳۸۸، ص ۱۳۵).راغب اصفهانی می‌گوید: «منکر، ضد معروف و هر کاری است که عقل‌ها و خردهای سلیم، زشتی آن را حکم می‌کند یا این که عقل‌ها در زشتی و خوبی آن کار سکوت می‌کنند، سپس دین و شریعت بدی و زشتی آن را بیان می‌کند» (خسروی، ۱۳۷۴، ج۴، ص ۳۹۷).مایکل کوک نیز با توجه به آیات ۷۱ آل عمران و ۱۱۴ توبه، بیان می‌کند که «امر به معروف» اشاره به پیروی و تأکید ایمان (تصدیق) به پیامبر و «منکر» اشاره به تکذیب او دارد (کوک، ۱۳۸۵، ص ۳۱).امر به معروف عبارت است از؛ ارشاد به راه‌های رشد و نجات بخش و نهی از منکر، عبارت است از؛ منع از آنچه با شریعت موافق نیست (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۱).امر به معروف و نهی از منکر، سیستمی اجتماعی اسلام؛ برای سالم سازی جامعه است. هویت اصلی امر به معروف و نهی از منکر و روح حاکم بر آن عبارت است از؛ متعادل سازی و بهینه سازی جاری و مستمر در اجتماع و ایجاد فضای بهینه، برای رسیدن به تعادل در روابط اجتماعی است، به بیان دیگر؛ امر به

معروف و نهی از منکر، رفتاری اجتماعی است که بر اساس تشخیص نقص ناهنجاری در هر نقطه از سیستم جامعه، به کار گرفته شده و تکمیل یا اصلاح آن خواستار می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۱).

۳-۲. جایگاه امر به معروف در نهج‌البلاغه

با توجه به اهمیت امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات، آیات و روایات زیادی وجود دارد که بیانگر جایگاه والای آن است، بنابراین در اینجا به برخی از آیات و روایات اشاره می‌شود تا بیان شود که امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و روایات دارای چه جایگاهی است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۱).مسئله امر به معروف از همان روزهای اول بعثت در مکه مورد عنایت اسلام بوده است؛ به عنوان مثال؛ در سوره «والعصر» که شعار مسلمانان به هنگام جدایی از یکدیگر بود، «تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ» اشاره به امر به معروف و نهی از منکر دارد. با خواندن این سوره مبارکه می‌فهمیم، هر روز که می‌گذرد از سرمایه عمر ما کاسته می‌شود. در برابر هدر رفتن عمر، باید چیزی بهتر از عمر به دست آوریم. آنچه بهتر از عمر ماست؛ ایمان و عمل صالح است. ایمان و کار نیک، اگر توسعه پیدا نکند ارزشی نخواهد داشت. بنابراین باید دیگران را نیز به ایمان و عمل صالح سفارش و دعوت کنیم. البته پیمودن این راه مشکلاتی را در پی خواهد داشت یعنی اگر بخواهیم مردم را به خیر و معروف دعوت کنیم و از مفاسد و انحرافاتی که دارند باز داریم، احتمال دارد که برخوردهای ناگواری پیش آید، ولی به هر حال باید با پشتکار یا همان صبر این راه را بپیماییم. سفارش به حق، همان امر به معروف است که شامل فکر حق، حرف حق، رهبر حق و حکومت حق می‌شود؛ یعنی باید همگی هر روز معروفها را گسترش دهیم و از مفاسد و منکرها جلوگیری کنیم و در این راه آماده پذیرش مشکلات باشیم (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).طبق فرمایش قرآن کریم، امر به معروف کاری است که خداوند انجام می‌دهد، خداوند می‌فرماید: «إِنّ اللّهَ یَأمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ» و در سوره بقره؛ خداوند می‌فرماید: «الشّیْطَانُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَ یَأْمُرُکُمْ بِالْفَحْشَاءِ» امر به منکر، کار شیطان است. ولی خداوند امر به معروف را به عنوان وظیفه، مقام و حق به عموم اهل ایمان داده تا بر اعمال یکدیگر نظارت داشته باشند. خداوند می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِیَاءُ بَعْضٍ یَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ یَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَ یُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَ یُؤْتُونَ الزَّکَاةَ وَ یُطِیعُونَ اللّهَ وَ رَسُولَهُ أُولَئِکَ سَیَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنّ اللّهَ عَزِیزٌ حَکِیمٌ»؛ مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۱۸).بنابراین امر و نهی مؤمنان، نسبت به یکدیگر بر اساس حق ولایتی است که خداوند قرار داده است و هرگز نام دخالت بیجا، مزاحمت و فضولی بر این کار روا نیست. در انتهای آیه، خداوند امر به معروف و نهی از منکر را موجب رحمت خویش می‌داند و در آیه ذیل این واجب به عنوان سبب و موجب رضایت الهی عنوان شده است: «وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ إِسْمَاعِیلَ إِنّهُ کَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَ کَانَ رَسُولًا نَبِیًّا وَ کَانَ یَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّکَاةِ وَ کَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِیًّا»؛ و یاد کن در کتاب خود شرح حال اسماعیل را که بسیار در وعده صادق و رسول و پیغمبری بزرگوار بود و همیشه اهل بیت خود را به ادای نماز و زکات امر می‌کرد و او نزد خدایش، بنده‌ای پسندیده بود (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۱۹).علاوه بر آیات فراوان قرآن مجید احادیث زیادی در منابع معتبر اسلامی نیز درباره اهمیت این دو وظیفه بزرگ اجتماعی وارد شده است که در آنها به خطرات و عواقب شومی که بر اثر ترک این دو وظیفه در جامعه به وجود می‌آید اشاره گردیده، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النّهْیَ عَنِ الْمُنْکَرِ سَبِیلُ الْأَنْبِیَاءِ وَ مِنْهَاجُ الصّلَحَاءِ فَرِیضَةٌ عَظِیمَةٌ بِهَا تُقَامُ الْفَرَائِضُ وَ تَأْمَنُ الْمَذَاهِبُ وَ تَحِلّ الْمَکَاسِبُ وَ تُرَدّ الْمَظَالِمُ وَ تُعْمَرُ الْأَرْضُ وَ یُنْتَصَفُ مِنَ الْأَعْدَاءِ وَ یَسْتَقِیمُ الْأَمْرُ»؛ امر به معروف و نهی از منکر دو فریضه بزرگ الهی است که بقیه فرائض با آنها برپا می‌شوند، و بوسیله این دو، راه‌ها امن می‌گردد و کسب و کار مردم حلال می‌شود، حقوق افراد تأمین می‌گردد و در سایه آن زمین‌ها آباد و از دشمنان انتقام گرفته می‌شود، و در پرتو آن همه کارها رو به راه می‌گردد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۳).ابی شیبهٔ الزهری از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند: «لا دینَ لِمَنْ لا یَدِینُ اللّهَ بِالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَالنّهْیِ عَنِ الْمُنْکَرِ؛ کس به امر به معروف و نهی از منکر ایمان ندارد، دین ندارد» (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۴).بنابراین تأکیدهای مکرر قرآن و احادیث معتبر در این خصوص، بیانگر ضرورت و اهمیت ویژه‌ای است که اسلام از این طریق برای سالم‌سازی جوامع بشری و مبارزه با عوامل فساد قائل شده است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۴).

۴-۲. جایگاه آمران و ناهیان در نهج‌البلاغه

علاوه بر جایگاه امر به معروف و نهی از منکر در آیات و روایات، آمران و ناهیان که رکن دیگری از این امر خطیر هستند، جایگاه والایی در قرآن و روایات دارند، با توجه به بررسی برخی از آیات و روایات، جایگاه آنان بیان می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۴).مخاطبان رکن نخستین فریضه امر به معروف و نهی از منکر هستند و رکن دوم این فریضه، آمران به معروف و ناهیان از منکر به شمار می‌روند. امر به معروف و نهی از منکر بدون آمر و ناهی نه تنها ممکن نیست، بلکه اساساً انجامش غیر ممکن خواهد بود؛ چرا که ستون انجام هر امر ارزشی و نیکی، فرد مؤمنی است که به انجام عملش ایمان دارد، ایمانی که احساساتش را تحت الشعاع قرار داده است و تأثیرش در تمام جوانب، در راستای سوق به ارزش‌ها، به حدی نمایان است که او الگوی واقعی آن ارزشی است که به آن ایمان دارد. در واقع آمران و ناهیان را می‌توان پیشاهنگی دانست که با توصیه، پند، امر و فرمان‌هایشان در جذب، هدایت و دعوت افراد به سوی امور ارزشی و معرفتی، شایستگی عنوان افرادی که شرف و عزت کسب را فرا خواننده به سوی ارزش‌های الهی و ناهیان از امور ضد ارزشی اند (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۵).به تعبیر دیگر؛ می‌توان آمران به معروف و ناهیان از منکر و وظیفه‌شناس را چون سایر گروه‌های دعوت‌کننده به امور راستین اسلام، وارثان واقعی و حقیقی انبیاء و اولیای دین دانست؛ چرا که ایشان، ادامه دهنده راه این بزرگوارانند. اینان نه تنها فرمان دهندگان و وسیله هدایت افراد به سوی ارزش‌ها و معروف‌ها هستند، بلکه تمام تلاش خویش را نیز در این راستا به کار می‌بندد. پس آمران و ناهیان، صادق‌ترین مردم و راهشان بزرگ‌ترین راه و در نتیجه اعمالشان گرفته شده از دستورات الهی است و این چنین است که در قرآن جایگاهشان با آیات الهی مورد تقدیر قرار گرفته است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۳۵).خداوند در سوره توبه می‌فرماید: «إِنّ اللّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنّ لَهُمُ الْجَنّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التّوْرَاةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»؛ همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس (دشمنان دین را) به قتل می‌رسانند و (یا خود) کشته می‌شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا با وفاتر به عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت، سعادت و پیروزی بزرگ است. سپس در ادامه می‌فرماید: «التّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السّائِحُونَ الرّاكِعُونَ السّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللّهِ وَ بَشّرِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ اینان همان از گناه پشیمانان، خداپرستان، حمد و شکر نعمت‌گزاران، روزه‌داران، نماز با خضوع گزاران، امر به معروف و نهی از منکر کنندگان، و نگهبانان حدود الهی‌اند، و مؤمنان را بشارت ده (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۱).و همچنین خداوند می‌فرماید: «وَ لْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»؛ و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۱).بنابراین، رستگاری در انزوا و گوشه‌گیری نیست، بلکه رستگاران، کسانی هستند که؛ دیگران را دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، فلاح و رستگاری، تنها در نجات خود نیست؛ بلکه نجات دیگران نیز از شرایط فلاح و رستگاری است (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۱).در حقیقت، آمران به معروف و ناهیان از منکر کلام حضرت علی (علیه السلام) را در این جایگاه باور داشتند؛ می‌فرماید: «إِنّ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ مِنْ خُلُقِ اللّهِ»؛ امر به معروف و نهی از منکر دو صفت از صفات خداوند است (دلیمی، ۱۴۰۸ق، ص ۱۰۴).پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آمران و ناهیان را جانشین خدا، رسول و قرآن معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَهُوَ خَلِيفَةُ اللّهِ فِي الْأَرْضِ وَ خَلِيفَةُ رَسُولِهِ»؛ کسی که امر به معروف و نهی از منکر کند جانشین خدا و رسول خدا بر روی زمین است (نوری، ۱۴۰۸ق، ص ۱۷۹).امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «برای من مهمان خود خرمای مرغوبی آورد، مهمان آن‌ای از قرآن خواند: «ثُمّ لَتُسْأَلُنّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النّعِيمِ» مفهوم این است: از این نعمت‌ها در قیامت، مورد بازخواست قرار خواهید گرفت، گویا به نظرت آشکار آمد که خرمای به این خوبی، چرا در منزل امام است. امام فرمود: مراد از نعمتی که در قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد، نعمت رهبری و ولایت است و نه خرمای (نعمت مادی) (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۲).مهمان به خیال خود، خرمای عالی را خلاف زهد و مقام امامت دانست و خواست به امام تذکری بدهد. غافل از آن‌که، امر و نهی و تذکر نیاز به شناخت معروف و منکر دارد و با قضاوت عجولانه نمی‌توان هر کلامی را گفت (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۲).

۳. آسیب‌های رفتاری مستقیم

۳-۱. تعارض گفتار و کردار

یکی از آسیب‌های رفتاری مستقیم آمران و ناهیان، تعارض گفتار و کردار است. شانه کار انجام از گذاشتن، یکدیگر عهده بر استن، یکدیگرخو از دادن، قرار نمودن، ناتوانی اظهار نمودن، واگدار یکدیگر به را مسئولیت کردن، خالی ساختن فراهم راه در دین دشمنان گرچه است. نمودن رها و کردن ترک، ولی می‌کنند، تلاش آن از برداری بهره و سازی زمینه و توکل بستر بدون، با ارتباط در اسلامی جامعه در دارد امکان نیز خارجی دشمنان اقدامات دهد. روی توکل منکر از نهی و معروف به امر بزرگ مسئولیت (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۵۷).شناسایی همه عوامل بازدارنده از امر به معروف و نهی از منکر و موانع اجرای آن در توکل شناسی، برای نابود ساختن توکل لازم است. چرا مسلمان و شیعه اهل بیت (علیهم السلام) از امر به معروف و نهی از منکر دوری می‌کنند؟ چه چیزهایی مسلمانان را از امر به معروف و نهی از منکر باز می‌دارد؟ با پاسخ به این پرسش‌ها علل توکل، بازشناسی می‌شود. علل توکل عبارتند از؛ ضعف ایمان و تقوا و باورهای دینی، ضعف وجدان بیدار اخلاقی، ناامیدی از تأثیر و تغییر، پیروی از هوای نفس و وسوسه‌های شیطانی، ناآگاهی از پیامدهای ترک امر به معروف و نهی از منکر، بی خبری از آثار و برکات بی نظیر امر به معروف و نهی کننده از منکر، سختیها و رنجها و مشکلات عمل به مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر و... (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۵۷).پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) در ریشه یابی توکل فرموده اند: «يُوشِكُ سَكْرَانِ: سَكْرَةُ حُبِّ الْعَيْشِ وَ حُبِّ الْجَهْلِ فَعِنْدَ ذَلِكَ لَا تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ لَا تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»؛ دو مستی شما را خواهد گرفت: مستی عیش دوستی و علاقه به نادانی، در آن هنگام باعث می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر نکنید (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۵۸۴).امام رضا (علیه السلام) نیز در آسیب شناسی رفتار فردی و اجتماعی مسلمانان در امر به معروف و نهی از منکر، توکل و خطر آن را گوشزد نموده اند، و فرمودند: «إِذَا أُقِيمَ تَوَاكَلَتِ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ، فَلْيَأْذَنُوا بِوَقَاعٍ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى» زمانی که امت من در امر به معروف و نهی از منکر توکل کنند، باید خود را آماده نزول عذاب الهی نمایند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج۵، ص ۵۹).هشدار، راهنمای دلسوزان و اهل ایمان و تقوا و عامل بیداری و توفیق در آسیب شناسی است. بنابراین شناخت آسیب و درد، راه آسیب زدایی و درمان را به روی انسان می‌گشاید. با خشکاندن ریشه‌های توکل، روح و نشاط و شوق در عمل به امر به معروف و نهی از منکر رواج خواهد یافت و اجرای این فریضه گسترش می‌یابد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۵۸).

۳-۲. بهانه عدم تأثیر

برخی از آمران و ناهیان با این تفکر که امر و نهی ایشان مؤثر نیست و کسی سخن ایشان را نمی‌پذیرد، از انجام تکلیف سرباز می‌زنند و امر به معروف و نهی از منکر را ترک می‌گویند و گمان می‌کنند با چنین منطقی از خود سلب تکلیف کرده و دیگر در قبال آنچه در جامعه می‌گذرد وظیفه‌ای ندارند. خداوند می‌فرماید: «وَ إِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيداً قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَى رَبِّكُمْ وَ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»؛ و چون (پند و موعظه ناصحین در آنها اثری نکرد) جمعی از آن گروه گفتند: چرا قومی را که از جانب خدا به هلاک و یا به عذاب سخت محکومند باز موعظه می‌کنید؟ ناصحان گفتند: پند ما معذور (و اتمام حجت) است از جانب پروردگارتان، و دیگر آنکه شاید (اثر کند و) تقوا پیشه کنند (اعراف، ۷، آیه ۱۶۴).سکوت کنندگان به موعظه‌کنندگان، می‌گفتند که آن دسته از صید کننده که احترام سبت را از بین بردهاند، خداوند، یا همه را از بین خواهد برد یا به عذابی سخت دچارشان خواهد کرد، چرا اینها را موعظه می‌کنند؟ به عبارت دیگر عذاب خدا بر اینها حتمی است، موعظه فایده ندارد، آنها در جواب می‌گفتند: این عمل دو علت دارد؛ یکی اینکه نسبت به وظیفه خود عذری در پیش خدا داشته باشیم که خدا یا ما به وظیفه خود عمل کردیم، دیگری آنکه شاید آنها از این عمل خلاف پرهیز کنند و نصایح ما اثر مفیدی داشته باشد، که نومیدی کار شیطان است (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۴۵).لفظ «إِلَى رَبِّكُمْ» بجای «الی ربنا» اشاره دارد به اینکه نهی از منکر به ما اختصاص ندارد، شما هم که سکوت کرده‌اید مسئولید، و باید این سکوت را شکسته و این قوم را

نصیحت کنید، برای اینکه اعتراف به سوی پروردگار بخاطر مقام ربوبیتش بر هر کسی واجب است، و همه مربوبین این پروردگار باید ذمه خود را از تکالیفی که به ایشان شده و وظائفی که به آنان محول گشته فارغ سازند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج۸، ص ۲۹۵).در سوره‌های مرسلات، خداوند به کسانی سوگند یاد می‌کند که ذکر خدا را به دیگران القا می‌کنند، چه برای اتمام حجت، چه برای تأثیر و هشدار: «فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا عُذْرًا أَوْ نُذْرًا» (مرسلات، ۷۷، آیه ۶-۵).باید آمران و ناهیان توجه داشته باشند، گاهی امر و نهی ما امروز اثر نمی‌کند، ولی در تاریخ، فطرت و قضاوت دیگران اثر دارد. چنان که امام حسین (علیه السلام) در راه امر به معروف و نهی از منکر شهید شد، تا و جـدان مردم در طول تاریخ بیدار شود. گاهی امر و نهی ما، گناهکاران را از گناه باز نمی‌دارد، ولی گفتهای پدر پی، لذت گناه را در کام او تلخ می‌کند و لا اقل با خیال راحت گناه نمی‌کند.بنابراین آمران و ناهیان با امر و نهی خودشان، وجدانشان آرام می‌گیرد که به وظیفه خود عمل کرده‌اند، هر چند تأثیر نداشته است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۴۵).خداوند می‌فرماید: «وَ إِذَا ذُكِّرُوا لَا يَذْكُرُونَ» و یا بارها می‌فرماید: «مردم سخنان و ارشادهای پیامبران را گوش نمی‌دادند و از آنها روی می‌گرداندند.» بنابراین ما نباید توقع داشته باشیم که همه به سخنان ما گوش بدهند (صفات، ۳۷، آیه ۱۳).گاهی بیان حقایق و وظایف الهی بدون احتمال تأثیر نیز واجب می‌شود و آن در موردی است که اگر حکم خدا گفته نشود و از گناه انتقاد نگردد کم‌کم به دست فراموشی سپرده می‌شود و بدعت‌ها جان می‌گیرند و سکوت دلیل بر رضایت و موافقت محسوب می‌شود، در این گونه موارد لازم است حکم پروردگار آشکارا و در همه جا گفته شود هر چند اثری در گنهکاران نگذارد (قرائتی، ۱۳۸۳، ج۲، ص ۱۰۶).پس، امر و نهی آمران و ناهیان، همیشه به منظور أثر کردن در طرف نیست، بلکه خود عمل مطلوب بوده، و جریان آن در خارج اگر چه برای خود عامل باشد مفید خواهد بود، و در ضمن، موضوع معروف قوّت و رونق پیدا کرده، و به فراموشی سپرده نمی‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج۹، ص ۱۹۷).بنابراین، ممکن است برخی آمران و ناهیان، در قلب خود از ترک معروف و ارتکاب منکر توسط دیگران راضی نباشند، لیکن عذری برای اسقاط تکلیف امر و نهی نمی‌شود؛ زیرا امر به معروف و نهی از منکر مراحل و مراتبی دارد، یکی از آنها گفتن با زبان است. از این گذشته امر به معروف و نهی از منکر یک تکلیف فردی نیست که اگر سخن از یک فرد آن هم یک بار مؤثر واقع نشد او بتواند با چنین بهانه‌ای از خود سلب مسئولیت کند (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۰).

۳-۳. عدم رعایت اولویت‌ها و مراتب

یکی از آفاتی که ممکن است هر یک از آمران و ناهیان در اجرای امر به معروف و نهی از منکر داشته باشند، این است که شیطان از غفلت آنها برای آنها بزرگ جلوه می‌دهد و استفاده کرده و مسائلی که چندان اهمیت ندارد، دهد و توجه آنها فقط به آن چیز جلب کرده و از مسائل مهمتر غفلت می‌ورزند (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۱).این نکته، مهم است که هرکس در زندگی خود ممکن است بارها مشاهده کرده باشد. این نکته پیش از انقلاب، بسیار شایع بوده که برخی روحانیون فقط به نهی از ریش تراشیدن می‌پرداختند، گویا در آن زمان هیچ منکری غیر از تراشیدن ریش نبود. گاهی با خواندن روایات یا بیان تشبیهات زننده، طرف مقابل از خود می‌راندند. آیا در مقام امر و نهی اهمیت این معصیت از دیگر معاصی در آن زمان بالاتر بوده است؟ (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۱).بنابراین شایسته نیست با وجود آن همه انحرافات فکری و عقیدتی در جامعه کسی آنها را نادیده و تمام هم خود را صرف مسئله کوچکی کند، که در مقابل آن مفاسد و انحرافات هیچ شمرده می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳).رعایت مراتب، اصل مهمی است که از جنبه‌های اخلاقی و روانی خاصی برخوردار است. بی‌توجهی به این اصل، آسیب جدی به امر و نهی می‌رساند و ممکن است امر و نهی را کمرنگ یا دشوار سازد. به کارگیری مراتب و مراحل بالاتر در صورت کافی بودن مراتب پایین، امر و نهی دینی را با فشار بیشتر و در نتیجه لجبازی یا عکس‌العمل منفی گنهکار روبرو می‌سازد و حداقل، آن را بدون تأثیر می‌کند. وقتی با یک اخم کردن، گناه ترک می‌شود، ضرورتی بر به کارگیری مراتب بالاتر نیست و اگر کسی با موعظه یا درخواست و امثال آن انجام واجب یا ترک گناه را می‌پذیرد، ضرورتی بر خشونت در کلام و رفتار مشابه آن وجود ندارد. بی‌توجهی به مراتب امر و نهی بیشتر از سوی صاحب منصبان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و هم‌چنین پدران و مادران و به ویژه پیرمردان و پیرزنان و افراد عصبی صورت می‌پذیرد. یکی از علل عمده آسیب آمران و ناهیان که در امر و نهی جوانان وجود دارد، تندی و خشونت غیرلازم و بلکه بی‌مورد آنهاست (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۱).بی‌توجهی برخی از آنان به شخصیت جوانان امر و نهی آنان را بی‌تأثیر و چه بسا با تمسخر روبرو می‌گرداند. امر به معروف و نهی از منکر حتی در مرحله

سوم، ماهیت بازدارندگی دارد نه آزاردهندگی. بنابراین برخوردهای کوبنده‌ای که بدون هدف سازندگی و بازدارندگی صورت می‌پذیرد از حقیقت امر و نهی دینی فاصله‌ای عمیق دارد. البته آنچه بیان گردید به این معنا نیست که هیچ گاه از مراحل بالا استفاده نشود، بلکه مراد استفاده غیرضروری و ناموجه از مراحل بالاتر است که گاهی سبب بدبینی و زندگی گنهکار از احکام اسلامی می‌شود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۲).

۳-۴. اعمال سلیقه‌های ناموجه

آنچه باید در امر و نهی دینی مورد توجه قرار گیرد، بایدها و نبایدهای شرعی و عقلی است. اما اگر با اعمال سلیقه‌ها و حب و بغض‌های شخصی درآمیزد، قداست امر و نهی دینی از بین می‌رود و موفقیت آن به دشواری می‌گراید. آمران به معروف و ناهیان از منکر باید به دنبال انجام واجب و ترک گناه باشد و به مسائل جزئی و جانبی حساسیت نورزد که چه بسا این حساسیت‌ها سبب ترک واجب یا انجام گناه گردد. البته واجب باید به طور کامل انجام گیرد و حرام نیز به طور کامل ترک گردد ولی تا زمانی که افراد در مناطق ممنوع شرعی وارد نشده‌اند، گناهی نکرده‌اند، و تا هنگامی که حداقل واجبات را انجام دهند به معصیت آلوده نشده‌اند. البته افراد نباید به دنبال حداقل‌های واجبات شرعی باشند که با کمترین کاهش در عمل به حرام مبتلا شوند یا آن چنان در مقام عمل به مرزهای حرام نزدیک گردند که با کمترین افزایش به حرام گرفتار آیند یا به اباحیگری گرایند (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۲).انجام مباحات اشکال ندارد، اما اباحیگری روحیه مثبتی نیست. یعنی: انسان همواره به دنبال این باشد که مباحات را بیابد و به انجام آنها همت گمارد. بسیار تفاوت دارد که شخصی به دنبال آن باشد که عملی حرام نباشد تا آن را انجام دهد یا به دنبال دستورهای واجب و مستحبی اسلام باشد تا به آنها عمل کند. این دو روحیه، دو تفکر و دو نوع خط مشی متفاوت است که در دو کلمه دین‌گرایی و اباحیگری خلاصه می‌شود. زیرا ارتکاب مباحات تدین نیست، بلکه حرکت به دنبال بایدهای دینی تدین است. روحیه اباحیگری و فرو رفتن کامل در حلال دنیا سبب گسترش غفلت از یاد خداست. ارتکاب مباحات تذکری را لازم ندارد اما روحیه اباحیگری نیازمند تذکر است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۳).بدون شک تأثیر سخن کسانی که نسبت به حدود و احکام الهی بی‌توجه و از زینت عمل به آنها بی‌بهره‌اند، اندک است. نهی از دروغ یک دروغگو موفقیتی در پی ندارد. نهی از غیبت یک غیبت‌کننده به بار نمی‌نشیند بلکه نهی از منکر کسی که گناهی غیر از گناه مورد نهی خود را مرتکب می‌شود، تأثیر کمتری دارد. ترک عمل به بایدهای دینی و ارتکاب محرمات به ویژه در انظار مردم، آسیبی در امر و نهی دینی به حساب می‌آید. کسی که اهل عمل به احکام الهی است ضمن این که به راحتی امر و نهی می‌کند و کلام او از تأثیر درخور توجهی برخوردار است، عملی را که انجام می‌دهد خود دعوت‌کننده به نیکی‌هاست. با این همه، سستی مسامحه‌کاران نباید بهانه ترک امر و نهی آنها شود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۳).

۳-۵. بی‌توجهی به زمان و مکان

انتخاب زمان یا مکان نامناسب در امر و نهی توسط آمران و ناهیان، خود آسیبی است که موجب لجاجت و پرخاشگری فرد مخاطب می‌گردد. مثلاً؛ نهی از منکر فرد، در بین دوستانش غرور و مخالفت او را ظاهر می‌کند و چه بسا تذکر دهنده، مورد تمسخر خود قرار می‌دهد. اما همین تذکر که در خلوت صورت می‌پذیرد، عکس‌العمل منفی او را به همراه ندارد، ضمن این که تأثیرات مطلوبی را به همراه دارد. همه افراد به حفظ شخصیت و اعتبار خود اهمیت می‌دهند و اگر کمترین نقصی در بین مردم به آن وارد شود، حالت دفاع و تهاجم به خود می‌گیرند. آن گاه اولین چیزی که قربانی می‌شود، هدف اصلاحگرانه ناهی است. امیرالمؤمنین (علیه السلام): «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرّاً فَقَدْ زَانَهُ وَ مَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ» کسی که در پنهانی برادرش را موعظه کند او را احترام کرده است و کسی که وی را در نزد دیگران موعظه کند به او بدی روا داشته است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۹).البته این بدان معنا نیست که هیچ گاه کسی در بین مردم مورد تذکر قرار نگیرد؛ زیرا گاهی تأثیر امر و نهی با انجام آن در بین مردم، منحصر می‌شود به ویژه مردمی که از عیب گنهکار آگاه و با تذکر به او موافق‌اند. البته این در صورتی است که فسق گنهکار آشکار باشد (اکبری، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸).

۳-۶. عدم پایبندی به حدود الهی

امر به معروف و نهی از منکر دو واجب با اهمیت هستند که باید به طور صحیح انجام گیرد. اگر انجام دهنده این دو واجب در حال انجام وظیفه، ضوابط و حدود شرعی را لحاظ نکند کار او حتی تأثیر منفی خواهد داشت. منکرات یا پنهان صورت می‌گیرد یا آشکارا؛ در صورتی که ارتکاب منکر علنی باشد بر همه مسلمانان واجب است با وجود شرایط مرتکب را نهی کنند و چنانچه اقدام عملی لازم بود افراد حکومت باید دخالت کنند و مرتکب را از ارتکاب باز دارند و اما اگر ارتکاب منکر در خفا و پنهانی باشد دو صورت دارد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۶).

الف: گناهی است که آثار سوء آن فقط متوجه انجام دهنده آن می‌شود و به اجتماع خلل و نقصی وارد نمی‌سازد در چنین صورتی افراد مسلمان حق دارند تجسس کرده و این جرم را کشف نموده و جلوی آن را بگیرند؛ قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا» ای مؤمنان از بسیاری از گمان‌ها دوری کنید زیرا بعضی از گمان‌ها گناهند و تجسس نکنید (حجرات، ۴۹، آیه ۱۲).

ب) گناهان و جرایمی که در صورت وقوع زیان آنها علاوه بر انجام دهنده، دامنگیر عموم یا بخشی از آحاد جامعه نیز می‌شود مثل: دزدی، رشوه‌خواری، توطئه علیه نظام و... در این قبیل موارد باید با رعایت مراتب امر به معروف اقدام کرد و اطلاعات خود را در اختیار مأموران حکومتی نیز قرار داد تا اقدام لازم انجام دهند. اگر آمر و ناهی بدون رعایت حدود و ضوابط فوق اقدام کنند، عمل او قطعاً نتیجه منفی خواهد داشت (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۳).

۳-۷. قضاوت عجولانه

امام صادق (علیه السلام) برای مهمان خود خرمای مرغوبی آورد، مهمان آن‌ای از قرآن خواند: «ثُمَّ لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» مفهوم این است: از این نعمت‌ها در قیامت، مورد بازخواست قرار خواهید گرفت، گویا به نظرت آشکار آمد که خرمای به این خوبی، چرا در منزل امام است. امام فرمود: مراد از نعمتی که در قیامت مورد بازخواست قرار می‌گیرد، نعمت رهبری و ولایت است و نه خرمای (نعمت مادی) (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۲).این مهمان به خیال خود، خرمای عالی را خلاف زهد و مقام امامت دانست و خواست به امام تذکری بدهد. غافل از آن‌که، امر و نهی و تذکر نیاز به شناخت معروف و منکر دارد و با قضاوت عجولانه نمی‌توان هر کلامی را گفت (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۲).بنابراین، برای شناخت آسیب، در ابتدا زمینه‌های آسیب را باید شناخت؛ در این نوشتار شناخت مجموعه مشکلاتی است که ممکن است به شکل بالقوه یا بالفعل با شاخص‌های مستقیم در رفتار، کردار و... شکل گرفته که در تأثیرگذاری این فریضه ارزشی و با اهمیت می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. پس باید در رفع این موانع و آسیب‌ها تلاش کرد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۶۷).

۴. آسیب‌های رفتاری غیرمستقیم (اخلاقی)

۴-۱. عالم بی‌عمل

یکی از آسیب‌های اخلاقی در برخی آمران و ناهیان، در رابطه با علم آمران و ناهیان در امر و نهی دینی است. علم، گاهی راهزن و به تعبیر دیگر حجاب می‌شود. این علم کدام سنخ از علوم است؟ آیت الله جوادی آملی می‌فرماید: «عنوان اولوالعلم با عنوان عالم، دانشمند و امثال آن تفاوت دارد؛ چون ممکن است عالمی، علم خود را از معلم عادی فرا گرفته، دانشمند شده باشد، ولی اهل بغی باشد که نه تنها شهادت به وحدانیت خدا نمی‌دهد، بلکه زمینه‌ساز اختلاف و پیدایش مذاهب انحرافی نیز می‌گردد، خداوند می‌فرماید: «...وَ مَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ»: اهل کتاب پس از آنکه علم برایشان حاصل شد، از روی بغی و ستمی‌شگی به اختلاف با یکدیگر پرداختند (آل عمران، ۳، آیه ۱۹).برخی دیگر از عالمان و دانشمندان، اهل بغی نیستند، ولی خیر علمی آنان به دیگران نمی‌رسد، بلکه محدود به خودشان است، آنها اولوالعلم به کسانی گفته می‌شود که نه تنها از گزند بغی و آسیب فتنه اختلاف مصون‌اند و نه تنها علم را از معلم عادی فرانگرفته‌اند، بلکه علم در آنان رسوخ کرده، راسخ در علم شده باشند و آن را به دیگران نیز بیاموزند و خیر علمی آنان به دیگران برسد. بدین ترتیب، عنوان اولوالعلم غیر از عناوین اولوالعلم، عالم و علیم است؛ چنان که عنوان اولوالالباب غیر از عنوان لیبب و اولوالامر غیر از عنوان آمر و حاکم است (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶).عالم دینی و عاملان مخلص به مقدار علم صائب و عمل صالح، مظهر

«أُولُوا بَقِيّةٍ» بقای الهی هستند. قرآن حکیم درباره برخی، عنوان به کار «باقی» غیر از «باقی» از لیب است. خداوند می‌فرماید: «لَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيّةٍ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلّا قَلِيلًا مِمّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ...»؛ پس چرا در امت‌های گذشته، مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که (خلق را) از فساد و اعمال زشت نهی کنند، مگر عده قلیلی که نجاتشان دادیم (هود، ۱۱، آیه ۱۱۶).کسانی که «اولوا بقیّه»اند، گذشته از امر به معروف و نهی از منکر، عهده‌دار نفی فساد از جامعه انسانی‌اند تا جامعه را از لوث گناه حفظ کنند و این حفظ، یا به صورت دفع است یا به صورت رفع. به هر تقدیر «اولوا بقیّه» رجال علمی و عملی، صالح‌اند که وسیله حفظ جامعه از زوال و فنایند و در سایه آنها، جامعه سهمی از بقا پیدا می‌کند و محفوظ می‌ماند. پس علمای دینی از یک منظر باقی‌اند و از منظر دیگر اولوا بقیّه‌اند، تا نصاب علم آنها چه قدر و نصاب عمل صالح آنان چه اندازه و نصاب تأثیرگذاری آنها در احیای حق و اماته باطل و حفظ امت اسلامی از فرو رفتن در گناه و ابتلای به عوامل زوال چه مقدار باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ص ۶۸).این آیه دلیل بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر است، زیرا خدای سبحان، مردمی را که از فساد جلوگیری نمی‌کردند، مذمت فرموده و دنبال آن خبر داده است که افراد کمی از آنها را به خاطر نهی از منکر نجات داده و گوشزد فرموده که اگر دیگران نیز که اکثریت را تشکیل می‌دادند مانند؛ همان افراد کم، نهی از منکر می‌نمودند، هرگز دچار هلاکت نمی‌شدند (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۱).در این آیه یک اصل اساسی اجتماعی که ضامن نجات جامعه‌ها از تباهی است، مطرح شده است و آن اینکه در هر جامعه‌ای تا زمانی که گروهی از اندیشمندان متعهد و مسئول وجود دارد که در برابر مفاسد ساکت نمی‌نشینند، و به مبارزه برمی‌خیزند و رهبری فکری و مکتبی مردم را در اختیار دارند این جامعه به تباهی و نابودی کشیده نمی‌شود. اما آن زمان که بی‌تفاوتی و سکوت در تمام سطوح حکم‌فرما شد و جامعه در برابر عوامل فساد بی‌دفاع ماند، فساد و به دنبال آن نابودی حتمی است.اما همین که این احساس از میان رفت و جامعه بی‌تفاوت شد و فساد و ظلم به سرعت همه جا را گرفت آنگاه است که دیگر در سنت آفرینش، حق حیاتی برای آنها وجود ندارد. در کل جامعه انسانی، اگر نیروی مدافع که «اولوا بقیّه» همان بوده باشد از آن برچیده شود، میکروب‌های بیمارنزای اجتماعی، که در زوایای هر جامعه‌ای وجود دارد به سرعت نمو و تکثیر مثل کرده، جامعه را سر تا پا بیمار می‌کنند.نقش «اولوا بقیّه» در بقای جوامع آن قدر حساس است که باید گفت: بدون آنها حق حیات از آنان سلب می‌شود و این همان چیزی است که آیات فوق به آن اشاره دارد و از اینجا روشن می‌شود که چه حق بزرگی این شخصیت‌های ارزشمند و مبارزه‌کنندگان با فساد و «اولوا بقیّه» بر جوامع بشری دارند، چرا که آنها رمز بقاء و حیات ملت‌ها و نجات آنها از نابودی و هلاکتند!نکته دیگری که در آیه فوق جلب توجه می‌کند این است که؛ قرآن می‌فرماید: خداوند هیچ شهر و آبادی را به ظلم و ستم نابود نمی‌کند در حالی که اهلش «مصلح» باشند. توجه به تفاوت مصلح و صالح این نکته را روشن می‌سازد که تنها صالحیت، ضامن بقاء نیست بلکه؛ اگر جامعه‌ای صالح نباشد ولی در مسیر اصلاح گام بردارد او نیز باز حق بقاء و حیات دارد، ولی آن روزی که نه صالح باشد و نه مصلح، از نظر سنت آفرینش حق حیات او رفت. به زودی از میان خواهد رفت و نیستی به سراغ او خواهد آمد.به تعبیر دیگر هر گاه جوامعی ظالم بود اما به خود آمده و در صدد اصلاح باشد چنین جوامعی می‌مانند، ولی اگر ظالم بود و در مسیر اصلاح و پاکسازی نبود، نخواهد ماند (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۲۱).و با توجه به این آیه که خداوند می‌فرماید: «وَ اتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَتْرُكْهُ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الّذِينَ كَذّبُوا بِآيَاتِنَا»؛ بر آنها بخوان سرگذشت آن کس را که آیات خود را به او دادیم ولی (سرانجام) خود را از آن تهی ساخت و شیطان در پی او افتاد و از گمراهان شد. اگر می‌خواستیم (مقام) او را با این آیات (و علوم و دانش‌ها) بالا می‌بردیم، (اما اجبار، برخلاف سنت ما است. پس او را به حال خود رها کردیم) و او به پستی گرائید و از هوای نفس پیروی کرد. مثل او همچون سگ هار است که اگر به او حمله کنی، دهانش را باز و زبانش را برون می‌آورد و اگر او را به حال خود واگذاری، باز همین کار را می‌کند (گویی چنان تشنه دنیاپرستی است که هرگز سیراب نمی‌شود) این مثل گروهی است که آیات ما تکذیب کردند (اعراف، ۷، آیه ۱۷۶).بیانگر حال آنانی است که خداوند راه هدایت را برای آنان فراهم نموده است و آنها از آن فرار می‌نمایند، آنچنانکه برای هدایت آنها، اصلاً تلاشی نشده، اعمال آنها آنان را به سوی هلاکت می‌سپرد و وضع آنان مانند، سگی است که اگر بر او هجوم برید یا رهایش کنی، در هر حال پارس می‌کند.در این مثال، برطبق برخی از تفاسیر، حالت نفس «بلعم باعور» تشبیه به سگی شده که هدایت‌پذیر نیست. در تفاسیر آمده است که او

نخست در صف مؤمنان بوده و حامل علوم الهی گشته، سپس از این مسیر خارج شده، به همین جهت شیطان به وسوسه او پرداخته و عاقبت کارش به گمراهی و بدبختی کشیده شده است (مؤدب، ۱۳۷۹، ص ۱۶۶).

۲-۴. ریا

یکی دیگر از آسیب‌های اخلاقی در برخی آمران و ناهیان، ریا در امر و نهی دینی است. منظور از «ریا»، که همان شرک خفی است، آن است که آمر و ناهی، کارهایی را که ظاهرش اطاعت پروردگار است، انجام بدهد ولی هدفش تقرب به او نباشد بلکه مقصود، ایجاد منزلت در قلوب خلق خدا باشد تا او را احترام کنند و نیازهایش را برطرف سازند، به تعبیر دیگر؛ نشان دادن عمل به مردم به قصد جاه‌طلبی، خودنمایی و جلب نظر آنها و خود را نزد آنها پرهیزگار و متقی جلوه دهد (کلینی، ۱۳۶۹، ج۳، ص ۴۰۰).

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هر گونه ریایی شرک است، هر که برای مردم کار کند، پاداشش به عهده مردم است و هر که برای خدا کار کند» (کلینی، ۱۳۶۹، ج۳، ص ۴۰۰).

اغلب اوقات ریا، در چشم و در حرف زدن و در خوردن و آشامیدن و در راه رفتن و در مجالست و در لباس و در خندیدن، نماز، روزه، جهاد، حج، تلاوت کلام الله مجید و عبادات دیگر، صورت می‌گیرد. یعنی در رفتار، گفتار و کردار خود تظاهر به تقوی، عبادت خدا، خضوع، خشوع و توجه به پروردگار متعال می‌نماید ولی باطناً قصد و فکر او خودنمایی و نشان دادن به مردم و جلب نفوس است (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ص ۲۰۹).و در کلام دیگر امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «کسی که به تکلف کار می‌کند، خطا کار است اگر چه عمل او صحیح باشد، و هر که به قصد اطاعت و امتثال عمل می‌کند اعمال او درست است اگر چه بر خلاف واقع باشد. و شخصی که روی تکلف عمل می‌کند در عاقبت امر خود نتیجه‌ای به دست نخواهد آورد مگر خواری و ذلت را، و در حال حاضر نیز به جز زحمت و مشقت و ناراحتی اندوخته‌ای نخواهد داشت. و ظاهر امر شخص متکلف خودنمایی و ریاکاری بوده، و باطن امر او به نفاق و خلاف خواهد برگشت، و با این دو بال ریا و نفاق حرکت کرده و خواه ناخواه به سوی دوزخ و گرفتاری خواهد رسید. و در نتیجه باید متوجه شد که افراد صالح و پرهیزگار، هرگز روی تکلف عمل نکرده و با این صفت متصف نخواهند شد» (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ص ۱۴۹).تکلف به معنا این است که انسان در گفتار یا در کردار خود بر خلاف جریان حقیقت و روی مشقت و زحمت اظهاراتی بنماید، و وادارنده به تکلف در اغلب اوقات خودنمایی است. و در مقابل آن تعبد است، یعنی اقوال و اعمال انسان، فقط برای امتثال امر، اطاعت فرمان مولی، طبق دستور معین شده بوده و به جز انجام وظایف بندگی و خدمت هیچ‌گونه منظوری نباشد. شخص متعبد چون به قصد خالص و نیت پاک و به منظور اطاعت امر پروردگار متعال کار می‌کند، عمل او به هر صورت خواه مطابق واقع باشد یا مخالف، مطلوب و پسندیده است. ولی اعمال شخص متکلف اگر چه مطابق واقع هم باشد؛ نامطلوب و بی‌نتیجه خواهد بود.بنابراین آمران و ناهیان اگر گفتار و کردارشان بدون ریا، خودنمایی و فقط برای رضایت خداوند باشد، امر و نهی آن بسیار تأثیرگذار است، اما اگر به قصد ریا باشد، امر و نهی آنان، تأثیری نخواهد داشت. از آنجا که امر به معروف و نهی از منکر از فروع دین و از عبادات است، انسان باید برای خدا اقدام به آن کند و توقع پاداش هم از خدا داشته باشد. انجام این وظیفه نباید با انگیزه‌های مادی و دنیوی آمیخته گردد، هدف باید خدا باشد نه خودنمایی و کسب وجه و موقعیت، در این صورت انسان از کار هم خسته نمی‌شود و از کارشکنی‌ها هم ناامید نمی‌گردد. اخلاص عامل ارزش‌گذار برای اعمال است (اکبری، ۱۳۸۷، ص ۴۳).

۵. راهکارهای اصلاح

۱-۵. اصلاح خویش

مهم‌ترین شرط موفقیت انسان در اصلاح دیگران اصلاح خویشتن است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ» ای مؤمنان به فکر تهذیب و اصلاح خویش باشید. اگر شما اهل هدایت باشید گمراهی کسانی که گمراه شدند، به شما آسیبی نمی‌رساند و مایه ضلالتتان نمی‌شود (مائده، ۵، آیه ۱۰۵).مفسران از آیه، بهره توحیدی

می‌برند و می‌گویند: «اولاً: آیه در صدد توصیه مؤمنان به خودسازی، تهذیب نفس و تزکیه روح است که در اندیشه خویشتن باشید: «علیکم أنفسکم». ثانیاً: اطمینان داشته باشید که اگر هدایت شدید و راه صواب را پیدا و تعقیب کردید، ضلالت و گمراهان، آسیبی به شما نمی‌رساند: «لا یضرکم من ضل إذا اهتدیتم». ثالثاً: کمال هدایت در این است که؛ انسان به همه تکالیف خود عمل کند و از انجام واجبات و ترک محرمات تخطی و سرپیچی نکند و اگر در عمل به تکلیف خود کوتاهی کرد به همان نسبت از کمال هدایت محروم می‌گردد. رابعاً: به شهادت بسیاری از آیات و روایات، امر به معروف و نهی از منکر از واجبات مسلم، بلکه از واجب‌ترین واجبات است که باعث احیا و برپایی احکام الهی می‌گردد. بنابراین، اگر کسی در انجام امر به معروف و نهی از منکر کوتاهی کند، به همان مقدار هدایت و رهیابی او نقص دارد و به هر مقدار که هدایت کسی ناقص باشد، گرفتار ضلالت می‌شود. چون هدایت و ضلالت در مقابل یکدیگرند (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۴).نتیجه آن که انسان صالح در حالی که به فکر خودسازی، کمال‌جویی و تعالی‌طلبی خویش است؛ تکلیف خود در امر به معروف و نهی از منکر را نیز ادا می‌کند و ضلالت و گمراهی دیگران نه او را به خود مشغول می‌کند که از خودسازی بازماند، و نه وی را وحشت‌زده می‌گرداند که از امر به معروف و نهی از منکر غافل گردد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۸۷).در مقابل، کسانی که ترس از خدا و از خلق خدا، دارند، برداشت دیگر دارند، می‌گویند: «هر کسی باید کار خودش را انجام دهد و کاری به دیگران نداشته باشد و با استناد به این آیه امر به معروف، نهی از منکر و دفاع از دین را به زمان ظهور حضرت ولی‌عصر(ارواحناه‌فداه) سپرده و می‌گویند: وقتی که آن حضرت ظهور کرد امر به معروف و نهی از منکر اجرا می‌شود، یا این که می‌گویند: هر کسی را در گور خودش می‌گذارند، یا این که هر صاحب دین و ملّتی به دین خود به سر می‌برد و بر اساس همان دین و ملّت محشور می‌گردد و امثال این تعبیرات. البته این گفته‌ها و تعبیرات، مغالطه‌هایی بیش نیست، مگر شبه‌ای وجود دارد در این که امر به معروف و نهی از منکر، دفاع و جهاد جزو دستورهای قطعی قرآن کریم است؟ و مگر بدون اجرای این دستورها کسی هدایت می‌شود تا ما بگوییم وقتی کسی هدایت شد، ضلالت گمراهان هر چند به سبب ترک امر به معروف و نهی از منکر و ترک جهاد باشد به او آسیبی نمی‌رساند؟ شکی نیست در این که اگر کسی امر به معروف، نهی از منکر، دفاع، جهاد و قتال نکرد و قیام به قسط و عدل ننمود هدایت نشده است و چون هدایت نشده، خودش در صف ضالّین است (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۲۴).

۲-۵. هماهنگی حرف و عمل

سخنش تأثیر می‌پذیرند؛ خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «أَتَأْمُرُونَ النّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَکُمْ...؟!» آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید...؟ (بقره، ۲، آیه ۴۴).برای انسان از نظر اثر و ظهور سه مرحله در «گفتار، کردار، پندار» وجود دارد؛ و باید این سه قسمت کاملاً با هم مرتبط و موافق بوده و یک دیگر را تصدیق کنند. گفتار انسان، باید مطابق واقع و عمل باشد، نه ادعای پوچ و سخن بر خلاف حقیقت، کردار و عمل نیز لازم است از روی پندار، نیت صحیح، خالص، فکر درست و سالم صورت بگیرد، نه افکار نادرست، باطل و آلوده و همیشه نیت و فکر نیز می‌بایست با در نظر گرفتن مقام بندگی و اطاعت امر پروردگار و رضای او صورت بگیرد و چنین شخصی سزاوار تکریم و تعظیم بوده، و اهلیت دارد که قول، عمل و فکر آن شخص مورد استفاده قرار بگیرد و امر، نهی، صلاح‌بینی و اظهار او قطعاً اطمینان‌آور و مفید خواهد بود (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ص ۳۱۸).بنابراین کسی که خود، اهل عمل به فرامین الهی است و از معصیت دوری می‌کند، امر و نهی او از تأثیر بیشتری برخوردار است. امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «کسی امر به معروف و نهی از منکر می‌کند که دارای سه خصلت باشد: عمل کند به آنچه امر می‌کند و پرهیز نماید از آنچه نهی می‌کند و عادل باشد در آنچه امر و نهی می‌نماید و در امر و نهی خود مدارا نماید» (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۸۹).اصولاً یک برنامه اساسی، مخصوصاً برای علماء، مبلغین و داعیان راه حق این است که؛ بیش از سخن، مردم را با عمل خود تبلیغ کند. از این رو شخص آمر و ناهی، باید خودش آراسته به خوبی‌ها و منزّه، وارسته از بدی‌ها باشد تا تبلیغ و دعوتش مؤثر باشد. دعوت عملی، مؤثرتر از دعوت زبانی است و اگر کسی خودش نسبت به گفته‌هایش مقید و متعهد نباشد، بر دیگران نمی‌تواند تأثیر بگذارد، علاوه بر این تعارض بین گفتار و رفتار است و بسیار ناپسند است. باید توجه داشت که راه دین و گفته‌ها و توصیه‌های دین کار مشکلی نیست که انسان از عمل به آن ناتوان باشد. دین آمده تا ما انسان‌ها را از آلودگی دور کند و به خوبی و پاکی دعوت کند و هر کس به دین معتقد باشد، به راحتی می‌تواند به آن پایبند باشد. البته نقش شیطان و نفس اماره به عنوان موانع موفقیت در این راه است، لکن راه غلبه بر آنها را نیز خود

دین به ما آموخته است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۹۰).بنابراین آمران و ناهیان اگر حرفشان با عملشان هماهنگ نباشد مورد لعن خداوند متعال قرار می‌گیرند؛ از این رو حضرت علی (علیه السلام) در خطبه نهج‌البلاغه می‌فرماید: «لَعَنَ اللّهُ الْآمِرِينَ بِالْمَعْرُوفِ التّارِكِينَ لَهُ وَ النّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ» نفرین بر آنان که امر به معروف می‌کنند و خود ترک می‌نمایند، و نهی از منکر دارند و خود مرتکب آن می‌شوند (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۹۰).

۳-۵. بصیرت و آگاهی

آمران به معروف و ناهیان از منکر، باید معروف و منکر را بشناسند و شیوه‌ها را هم بدانند. خداوند در قرآن می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللّهِ وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» بگو: طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنیم و خدا را از شرک و شریک منزه دانم و هرگز به خدای یکتا شرک نیاورم (یوسف، ۱۲، آیه ۱۰۸).راهی که در این آیه شریفه آمده همان، دعوت با بصیرت و یقین به سوی ایمان محض و توحید خالص است و معلوم است که در چنین راهی، تنها کسانی شرکت دارند که در دین مخلص برای خدا باشند و عالم به مقام رب‌العالمین و دارای بصیرت و یقین بوده باشند (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج۱۱، ص ۳۷۹).کسی که غافل از خدا و ایمن از عذاب خدا و اعراض کننده از آیات او و از یاد او است، چگونه ممکن است داعی به سوی او باشد؟ با این که خدای تعالی در آیات بی‌شماری دارندگان این اوصاف را به ضلالت و کوری و خسران توصیف کرده و این سنخ اوصاف، با هدایت و ارشاد به هیچ وجه جمع نمی‌شود (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج۱۱، ص ۳۷۹).

۴-۵. صبر و اراده

از جمله عوامل تأثیرگذار در امر و نهی دینی، صبر و استقامت است. کسی که بنا دارد به وظیفه مهم امر به معروف عمل کند، نباید کار خود را بر اساس قهر و صلح مردم تنظیم کند. خداوند می‌فرماید: «يَا بُنَيّ أَقِمِ الصّلَاةَ وَ أْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَ انْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ اصْبِرْ عَلَى مَا أَصَابَكَ» (لقمان، ۳۱، آیه ۱۷).دعوت به حق و امر به معروف و نهی از منکر، کار انبیاست و مشکلات انبیا را نیز خواهد داشت، انبیا تهمت‌ها را با صبر و سعه صدر پشت سر می‌گذاشتند. زمانی که قوم هود نسبت سفاهت به هود زدند، هود با وقار و ادبی که مخصوص پیامبران و رهبران راستین و پاک است، بدون آنکه از گفته آنان عصبانی و یا مأیوس گردد، فرمود: «... يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَ لَكِنّي رَسُولٌ مِنْ رَبّ الْعَالَمِينَ»؛ ای قوم! هیچ‌گونه سفاهتی در من نیست و وضع رفتار و گفتار من بهترین دلیل بر سرمایه‌های عقلانی من است، من فرستاده پروردگار جهانیانم (اعراف، ۷، آیه ۶۷).سپس فرمود: «من وظیفه دارم رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ کنم و دستورهایی را که ضامن سعادت و خوشبختی شما و نجات از گرداب شرک و فساد است در اختیار شما بگذارم، آن هم در نهایت دلسوزی و خیرخواهی...» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۶، ص ۲۲۸).و همچنین نوح در برابر توهین و خشونت آنها با همان لحن آرام، متین و محبت‌آمیز خود در پاسخ آنها فرمود: «... يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَ لَكِنّي رَسُولٌ مِنْ رَبّ الْعَالَمِينَ»؛ من نه تنها گمراهی در من وجود ندارد، ولی من فرستاده پروردگار جهانیانم.» اشاره به اینکه خدایان پراکنده‌ای که شما قائل شده‌اید و برای هر یک قلمرو حکومتی پنداشته‌اید همانند؛ خدای دریا، خدای آسمان، خدای صلح و جنگ و مانند اینها همه بی اساس است، پروردگار و رب همه جهانیان تنها خداوند یکتا است که خالق همه آنها می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج۶، ص ۲۲۸).زمانی که حضرت موسی مأمور تبلیغ شد، از خداوند روح بزرگ و سعه صدر خواست و خداوند دعای او را مستجاب کرد، لذا موسی با روحیه‌ای قوی به سراغ فرعون رفت. با این توجه امر و نهی، بدون این روحیه، امکان ندارد. کسی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند، در برابر تمایلات مردم ایستاده است و قهراً از ناحیه بعضی مردم مورد ناهنجاری قرار خواهد گرفت. او اگر سعه صدر نداشته باشد، با یکی دو برخورد تند از طرف بندگان خوب، نشانه قرآن (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۹۴).خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَ عِبَادُ الرّحْمَنِ الّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَ إِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا»؛ و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هر گاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند (فرقان، ۲۵، آیه ۶۳).

۵-۵. حسن خلق

آمران و ناهیان در امر به معروف و نهی از منکر نسبت به مردم باید نرم‌خو باشند. گفتار نرم و پرهیز از تندی و عصبانیت، صفت شایسته‌ای است، که در امر به معروف و نهی از منکر، تأثیرگذار است. وقتی خداوند، حضرت موسی و هارون (علیهماالسلام) را برای دعوت فرعون به خداپرستی فرستاد، به آن دو توصیه کرد که با فرعون، با نرمی و گفتار ملایم سخن بگویند: «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» با او به نرمی سخن بگویید (طه، ۲۰، آیه ۴۴).کسی که امر و نهی می‌کند، بدی‌ها را با خوبی دفع می‌کند؛ «وَ يَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ» و همچنین حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ حَسُنَ خُلُقُهُ كَثُرَ مُحِبُّوهُ وَ أُنِسَتِ النُّفُوسُ بِهِ» کسی که خلق او نیکو باشد دوستدارانش بسیار گردد و مردم به او انس گیرند (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۲۶۶۷).این صفت در رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بود که: با اخلاق نیکو و برخورد شایسته و متواضعانه‌اش مردم را به حقّ و راه خدا جذب کرد و از این رو بود که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ»؛ به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سخت‌دل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند (آل عمران، ۳، آیه ۱۵۹).بنابراین اگر پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) تندخو و سخت دل بود بدون شک نمی‌توانست مردم را به سوی خداوند دعوت کند، نرمش در گفتار و برخورد، گاهی سرسخت‌ترین افراد را هم به زانو در می‌آورد و تسلیم می‌کند. در حدیثی از امام حسین (علیه السلام) نیز آمده است: «کسی که امر به معروف می‌کند، باید گفتارش نیکو باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۹۷، ص ۸۳).ممکن است افرادی که مورد امر و نهی قرار می‌گیرند، در خود احساس شرمندگی یا شکست کنند، برای جبران این احساس می‌توانیم با کلماتی لطیف یا دعایی، دل او را به دست آوریم (قرائتی، ۱۳۸۷، ص ۱۴۷).با توجه به این آیه شریفه: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ تَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران، ۳، آیه ۱۱۰).کلمه «للناس» نشان دهنده این است که؛ آمران به معروف و ناهیان از منکر با افراد معین و به شکل انفرادی رو برو نیستند. آنان با توده مردم سر و کار دارند، زیرا خیر مردمی در هدایت و جلوگیری آنان از فساد است؛ یعنی با همه مردم در همه شئون آنان رو به رو هستند، پس همان گونه که آمر و ناهی شخص معینی نیست، مأمور و منهی نیز شخص معینی نیست، به همین جهت امر و نهی، ناملایماتی را همراه دارد مانند؛ مخالفت سران بر همین اساس امتی که طغیان‌گری و ستم در برابر این مأموریت الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج۱۵، ص ۳۴۴).برای ایفای رسالت سنگین امر به معروف و نهی از منکر قیام می‌کنند، باید از نوعی توانایی و آمادگی برخوردار باشند.

۶-۵. مهربانی و گذشت

پذیرش امر و نهی دینی برای برخی از گنهکاران دشوار است و این دشواری تأثیر تذکر را با مشکل روبرو می‌سازد به‌ویژه اگر فردی به گناه خود عادت کرده باشد و از زمینه روحی پرهیز از گناه برخوردار نباشد. نهی از منکر چنین افرادی یک طبابت معنوی و جراحی روحی است و البته طبابت در پرتو مهربانی، مدارا و دلسوزی از موفقیت بیشتری برخوردار است (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۹۶).امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «سزاوار است که آمر به معروف و ناهی از منکر در امر و نهی و مراتب انکار خود مانند پزشک معالج مهربان یا پدر مهربان، مراعات مصلحت شخص آلوده به گناه را بنماید. انکار او لطف و رحمت برای مرتکب و بلکه برای همه امت باشد و سزاوار است قصد او تنها خدا و رضایت خدا باشد و عمل خود را از آلودگی به هوای نفسانی و اظهار بزرگی حفظ کند...» (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۴۴۲).اگر گنهکار احساس کند که امرکننده از سر دلسوزی و شفقت به او تذکر می‌دهد، دشواری‌های پذیرش را تحمل می‌کند و صادقانه به تذکر او توجه می‌نماید. برخی بیماران طبیب را مورد پرخاش قرار می‌دهند، اما طبیب از بیمار انتقام نمی‌گیرد، زیرا؛ طبیب، دشمن بیمار نیست. بلکه دشمن بیماری اوست. اگر انسان در برخی موارد و موقعیت‌ها گناهکاری را به خاطر نپذیرفتن نصیحت، به اصلاح او تحمل کند به موفقیت‌های چشمگیری دست می‌یابد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۹۶).آیت الله ناصری از اساتید اخلاق، درباره مهربانی و رفاقت با جوانان می‌گویند: «باید به جوانان در محیط‌های فرهنگی و مذهبی به خصوص مساجد اهمیت داد و برای آنها احترام خاص قائل شد و از طریق رفتار حسنه و صحیح آنها را جذب، سپس به تعلیم معارف و احکام دین به آنها پرداخت و حتی اگر کسی قصد داشت جوانی را به خاطر اشتباه و گناهی که از او سر زده امر به معروف و نهی از منکر کند باید این عمل را با خوشرویی، رفتار صحیح و کمال مهربانی همراه با معلومات کافی در آن زمینه انجام دهد نه این که به گونه‌ای با جوانی که اشتباهی مرتکب شده برخورد کنند که نه تنها در رفتار و اعمال خود تجدید نظر نکند، بلکه از دین و مذهب دل زده و منجر شود و بیشتر در منجلاب گناه و خطا فرو

رود، تبعیت از هوا و هوس عمل خالص را از بین می‌برد» (دسمی، ص ۱۱).بنابراین، آمرین به معروف و کسانی که قصد نهی از منکرات را دارند باید توجه کنند که این کار با عجب و غرور و از روی هوای نفسانی انجام ندهند، تا امر به معروف و نهی از منکر آنها مترتب به آثار مثبت شود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۹۷).

۵-۷. توکل

توکل پشتوانه همه حرکات ایمانی است. هر چند انسان از همه عوامل موفقیت در امر و نهی دینی برخوردار باشد، نباید بر آنها اتکا داشته باشد بلکه باید ضمن به کارگیری همه امکانات، برای اصلاح دیگران تنها بر خداوند توکل کند و امر خود را بر او واگذارد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۹۷).امام صادق (علیه السلام) فرموده: «کسی که می‌خواهد امر به معروف کند باید با مردم مهربانی و مدارا نماید، و با ملاطفت و گفتار خوش آنان را به خوبی‌ها و ترک بدی‌ها دعوت نماید، و اخلاق و مراتب فهم آنها را در نظر گیرد تا با توجه به آن با آنان رفتار نماید، آگاه به مکر نفس و حیله‌های شیطان باشد و در برابر آزار و زحمت دیگران صبر و استقامت ورزد، و با آنها مقابله نکند، و از آنها گله و شکایت ننماید و با خودپسندی، خودبینی، تندی و درشت‌خویی برخورد نکند و هدفش خداوند و اجر الهی باشد. پس اگر با وی مخالفت و به او ستم نمودند، شکیبایی نماید و اگر موافقت کردند شکر کند. امر خود را به خدا واگذارد و به عیوب خود توجه داشته باشد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۹۸).امر و نهی دینی از جمله حرکت‌های مقدس و بسیار مهم مؤمن است که در صحنه‌های اجتماعی تجلی می‌یابد. انجام و تأثیر چنین حرکت‌هایی بدون کمک از حضرت حق تعالی میسر نیست. اگر اراده الهی با حرکت ما همراه نباشد، سخن ما مانند حبابی است که از ریزش باران بر آب ایجاد می‌شود، پس از لحظه‌ای از بین خواهد رفت. از خدای تعالی درخواست کنیم که امر و نهی ما را با استقبال و پذیرش چشمگیر افراد روبرو گرداند (اکبری، ۱۳۸۷، ص ۷۰).

۵-۸. موقعیت‌شناسی

انتخاب زمان و مکان مناسب که بیشترین زمینه را برای بیان و پذیرش امر و نهی به همراه داشته باشد، تأثیر آن را افزایش می‌دهد و این انتخاب تا حدود زیادی به فهم، ذکاوت و سلیقه امر و نهی کننده بستگی دارد. از همین رو موقعیت‌شناسی آمر و ناهی، یکی از اصول موفقیت او خواهد بود. مثلاً، با اندکی دقت و بررسی می‌توان دریافت که امر و نهی در مکان گناه، محیط منزل یا کار و یا هر محیط خلوت دیگر چگونه خواهد بود و هم‌چنین در کدام زمان روحیه پذیرش او بیشتر است. مثلاً، اگر بعد از نماز جمعه یا جماعت که فرد از روحیه معنوی بیشتری برخوردار است امر و نهی شود، در همان زمان امر و نهی شود، پذیرش بیشتری دارد (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۲).البته همیشه فرصت انتخاب زمان و مکان وجود ندارد و باید در هر صورت با وجود شرایط به وظیفه عمل کرد

۵-۹. استمرار

یکی از رموز موفقیت در هر کاری استمرار و ادامه دادن آن است، خصوصاً در مسائل تربیتی و رفتاری، چندان که در روایات بسیاری تأکید شده است که، در حضور فرزندان نماز بخوانید، دلیل این دستور کاملاً مشخص است زمانی که کودکان، والدین خود را در حال نماز می‌بینند، شاید برای بار اول و دوم چندان برایشان عادی نباشد و از انجام آن تعجب کرده و سؤال ایجاد شود، اما پس از مدت کوتاهی، نه تنها این امر برایشان عادی می‌شود، بلکه هر روز منتظرند که هنگام اذان، پدر و مادر خود را در حال نماز ببینند. کارهای تربیتی چنین نیستند که با یک یا چند بار گفتن و تعلیم دادن مؤثر افتد، بلکه سنخ تربیت، از کارهای است که شرط موفقیت آن تداوم است (دسمی، ص ۳۰).امر و نهی نیز این گونه است، نباید آمر و ناهی به یک‌بار گفتن قانع شود، باید آن‌قدر استمرار دهد تا به نتیجه مطلوب برسد و فرد خاطی کاملاً متوجه خطای خود بشود.

۶. شیوه‌های مؤثر

۶-۱. شیوه‌های گفتاری

در این شیوه گفتاری، آمر و ناهی مخاطب خود، از راه گفتگو، ارتباط برقرار می‌سازد و با سخن و بیان خود او را به معروف فرا می‌خواند و یا از منکر بر حذر می‌دارد، در این شیوه نکته‌های زیر رعایت شود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۷).

۶-۱-۱. استفاده از گفتار نرم

برای نفوذ در قلوب مردم (هر چند افراد گمراه و بسیار آلوده باشند) نخستین دستور قرآن، برخورد ملایم و توأم با مهر و عواطف انسانی و گفتاری نرم است! خداوند در قرآن به موسی و هارون (علیهماالسلام) می‌فرماید: «اذْهَبَا إِلَى فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى» بروید به سوی فرعون، که او سخت به راه طغیان شتافته است و با کمال آرامی و نرمی سخن بگویید، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد و ترک ظلم کند (طه، ۲۰، آیه ۴۴-۴۳).فرعون که طغیانش به جایی رسیده بود که گفت: «أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَى» (نازعات، ۷۹)، ولی رحمت رحیمیه برای او، دو پیغمبر بزرگ می‌فرستد و در عین حال سفارش می‌فرماید، که با کلام «قَوْلًا لَيِّنًا» گفتگو کنید، باشد که به یاد خدا افتد و از کردار خود و عاقبت امر بترسد (طه، ۲۰، آیه ۴۴).این دستور امر به معروف و نهی از منکر است، اکنون اگر می‌خواهی امر و نهی کنی با قلب پر از محبت و دل عاطفه با بندگان خداوند ملاقات کن و خیر آنها را از صمیم قلب طالب شو و چون قلب خود را رحمانی و رحیمی یافتی، به امر و نهی و ارشاد قیام کن تا دل‌های سخت را، برق عاطفه قلبت نرم کند و آهن قلوب به موعظه آمیخته به آتش محبت، لین گردد (خمینی، ۱۳۷۸، ص ۲۳۷).امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «شِيمَةُ الْأَخْيَارِ لِينُ الْكَلَامِ وَ إِفْشَاءُ السَّلَامِ» سیرت خوبان و برگزیدگان از مردم، سخن نرم و آشکار کردن سلام است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ص ۴۳۵).و در سخنی دیگر می‌فرماید: «مَنْ حَسُنَ كَلَامُهُ كَانَ النُّجْحُ أَمَامَهُ» هرکس سخنش نیکو باشد، پیروزی و موفقیت پیش روی اوست (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۴۵۶).آمر و ناهی، به گونه‌ای سخن بگوید که مخاطب احساس کند او را از خود می‌داند و خیر صلاح او را می‌خواهد. در این صورت، احساس تقابل و جدایی در او پدید نمی‌آید؛ بلکه احساس یگانگی و هم‌دلی ایجاد می‌شود. پیامبران الهی در گفتار خود با مردم، نمی‌گفتند: ای مردم چنین و چنان کنید، بلکه از تعبیر یا قوم، ای مردم... بهره می‌گرفتند، حضرت لقمان به فرزندش می‌فرماید: «...يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ» (لقمان، ۳۱، آیه ۱۷).از نگاه برخی استفاده از پند و اندرز امر به معروف و نهی از منکر به شمار نمی‌رود، اما اگر مخاطب با پند و اندرز معروف را انجام دهد و از منکر دست بردارد باید همین روش را به کار گرفت (مسعودی، ۱۳۸۶، ص ۶۴).

۶-۱-۲. اختصار در بیان موضوع

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «عَلَيْكَ بِالْحِلْمِ فَإِنَّهُ زَكْنُ الْعِلْمِ وَ أَمْلِكْ نَفْسَكَ عِنْدَ أَشْبَاهِ الْقُدْرَةِ فَإِنَّكَ إِنْ تَفْعَلْ مَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ كُنْتَ كَمَنْ شَفَى عَيْنًا أَوْ ذَاوَى عِقْدًا أَوْ يُحِبُّ أَنْ يُذْكَرَ بِالصَّوْلَةِ وَ الْعَلَمِ بِأَنَّكَ إِنْ عَاقَبْتَ مُسْتَحِقًّا لَمْ يَكُنْ عَائِبَةُ مَا تُوصَفُ بِهِ إِلَّا الْعَدْلَ وَ الْخَالُ الَّتِي تُوجِبُ الشُّكْرَ أَفْضَلُ مِنَ الْخَالِ الَّتِي تُوجِبُ الصَّبْرَ قَالَ الْمَنْظُومَ وَعَظْتَ فَأَخْسَنْتَ وَ قُلْتَ فَأَوْجَزْتَ» این حدیث دلالت بر این دارد که: درست است پند نیکو است ولیکن پند، زمانی تأثیرپذیری دارد که به صورت کوتاه باشد؛ اگر پند طولانی باشد مخاطب خسته می‌شود و به حرف‌های ما گوش نمی‌دهد و چنان که می‌بینیم کلام حق به صورت مختصر، ولی در معنی پر ارزش و سنگین است (بحرانی اصفهانی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۵۲).

۶-۲. شیوه‌های رفتاری

گاهی آمران و ناهیان با پایبندی خود به ارزش‌های دینی و احکام الهی، بهترین امر به معروف و نهی از منکر را در رفتار خود نشان می‌دهد، به ویژه اگر از کسانی باشند که نقش الگو برای بخش‌هایی از جامعه را داشته باشند. روشن است که اگر پدر و مادری خود، سیگاری هستند به فرزند خود بگویید، سیگار نکشد، یا خود دروغ بگویید و از او بخواهد دروغ نگوید و... این سخنان کمترین اثر را در دل فرزند او می‌گذارد. اما اگر خود او، همه این مسایل را رعایت کند، شاید نیازی به امر و نهی زبانی او نباشد. همین گونه است نقش معلمان، استادان، روحانیون و... (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۳).امام صادق (علیه السلام)

می‌فرماید: «کُونُوا دُعَاةً لِلنّاسِ بِغَیْرِ أَلْسِنَتِکُمْ» مردم را به (دین و مذهب) خود به غیر از زبان‌هایتان (عمل) دعوت کنید (مجلسی، ۱۳۶۴ش، ص ۳۰۴).حضرت امام خمینی (رحمه الله) در این باره فرموده‌اند: «از بزرگترین افراد امر به معروف و نهی از منکر و شریف‌ترین و مؤثرترین آن و جاگیرترین آنها در دل‌ها، به ویژه آمران و ناهیان، اگر از دانشمندان دین و مذهب باشند، این است که معروف را از واجب و مستحب عمل کنند و منکر و مکروه را کنار گذارند و به اخلاق پیامبران و روحانیون متخلق گردند و از اخلاق سفیهان و اهل دنیا، دوری جویند، تا این که با عمل و اخلاق خود آمر و ناهی باشند و مردم به او اقتدا نمایند» (خمینی، ۱۳۹۲، ص ۴۶).شهید مطهری می‌فرماید: «شما اگر بخواهید به شکل غیر مستقیم، امر به معروف کنید، یکی از راه‌هایی آن این است که خودتان، صالح و با تقوا باشید، هیچ چیز بشر را بیشتر از عمل، تحت تأثیر قرار نمی‌دهد» (مطهری، ۱۳۹۳، ص ۲۳۸).آن چه بیان شد، نباید این‌گونه برداشت شود، که اگر کسی خود را معروفی ترک کرد یا منکری را انجام داد حق ندارد امر به معروف و نهی از منکر کند؛ بلکه منظور این است، وقتی انسان بعد از اینکه خودش عمل کرد، و امر و نهی کرد، امر و نهی او در آن زمان، اثرش چند برابر می‌شود. بنابراین اگر شرایط وجوب امر به معروف و نهی از منکر فراهم شد، بر او نیز واجب است، که امر به معروف و نهی از منکر کند. برای هر معروف و منکری، از هر شخصی، در هر مکانی و هر زمانی، شیوه‌های خاص لازم است که اگر مراعات نشود، امکان دارد اثر منفی دهد. از شیوه‌های مؤثر امر و نهی توسط آمران و ناهیان، شیوه رفتاری است که در این گفتار، شیوه‌های مؤثر رفتاری مورد بررسی قرار خواهد گرفت (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴).

۱-۲-۶. ایجاد محیط مساعد

یکی از عوامل مهم تکوین و تغییر انسان، شرایط مختلف محیطی، اعم از زمان، مکان و محیط اجتماعی است. در بسیاری از موارد، دست‌کاری محیط و فراهم آوردن محیط مناسب، می‌تواند رفتار، افکار و خصلت‌های فرد را تغییر دهد و ویژگی‌های جدید را جایگزین سازد. این روش از طریق دیگران (آمران و ناهیان) باید اعمال شود، ولی خود فرد نیز می‌تواند تا حدی مؤثر باشد. شیوه‌هایی که برای محقق ساختن این روش، لازم است، به ترتیب عبارتند از: زمینه سازی، الگو سازی، سالم سازی محیط (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۴).

مجله اختلالات جنسی و روانشناختی

نتیجه‌گیری

آسیب‌شناسی در این نوشتار، مطالعه مجموعه آفات و مشکلاتی است که ممکن است به شکل بالفعل یا بالقوه در رفتار، کردار، شیوه و روش آمران و ناهیان شکل گرفته باشد که در تأثیرگذاری این فریضه ارزشی (امر به معروف و نهی از منکر) می‌تواند نقش مهمی را ایفا نماید. آمران و ناهیان باید توجه داشته باشند که سخن گفتن از ارزش‌های دینی، پند و توصیه و... با عدم به کارگیری شیوه‌ها و روش‌های صحیح و مؤثر گفتاری و رفتاری، پیامدهای منفی بر مخاطبان به ویژه نسل جوان خواهد گذاشت و در نتیجه ترویج ارزش‌های مورد نظر، نه تنها نتیجه مثبتی به دست نمی‌آید، بلکه عکس‌العمل معکوسی به دنبال خواهد داشت، در این راستا پیشنهاد می‌شود که، به منظور تغییر گرایش‌های روحی و فکری به کمک طراحی و اجرای کارگاه‌های آموزشی (رفتارشناسی، کیفیت و شیوه‌های صحیح نهادینه کردن ارزش‌های الهی در خانواده و اجتماع) برای آمران و ناهیان سازمان‌های دولتی و غیردولتی قدمی سازنده محسوب می‌شود و ایجاد ساختار متمرکز و نافذ برای امر به معروف و نهی از

منکر از قبیل؛ تشکیل وزارت‌خانه یا سازمان امر به معروف و نهی از منکر به صورت رسمی و... اقدام نمود (رشیدی، ۱۳۹۶، ص ۱۳۱).

مجله اختلالات جنسی و روانشناختی

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج‌البلاغه
۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. (۱۴۰۴ق). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، ج۵. بیروت: دارصادر.
۵. ابو مخنف کوفی، لوط بن یحیی. (۱۴۱۷ق). وقعة الطفّ. قم: جامعه مدرسین.
۶. اکبری، محمود. (۱۳۹۱). امر به معروف روش صالحان. قم: زلال کوثر.
۷. اکبری، محمد رضا. (۱۳۸۷). حافظان حریم (امر به معروف در عصر ما).
۸. بحرانی اصفهانی، عبد الله بن نور الله. (۱۴۱۳ق). عوالم العلوم و المعارف و الأحوال من الآیات و الأخبار و الأقوال، ج۲۰. قم: مؤسسة الإمام المهدی.
۹. بستانی، فواد افرام. (۱۳۷۵). فرهنگ ابجدی. تهران: انتشارات اسلامی.
۱۰. پاینده، ابو القاسم. (۱۳۸۲ش). نهج الفصاحة. تهران: دنیای دانش.

۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. (۱۳۶۶). تصنیف غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات.
۱۲. تهرانی، مجتبی. (۱۳۹۱). سلوک عاشورایی، منزل دوم، امر به معروف و نهی از منکر. تهران: موسسه فرهنگی و پژوهشی مصابیح الهدی.
۱۳. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۷). حماسه عرفان. قم: نشر اسراء.
۱۴. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). تفسیر تسنیم، ج۱۵. قم: اسراء.
۱۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸). مراحل اخلاق در قرآن، ج۱۱. قم: نشر اسراء.
۱۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، ج۱. قم: اسراء.
۱۷. جمال خوانساری، محمد بن حسین. (۱۳۶۶ش). شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، ج۶، ج۷. تهران: دانشگاه تهران.
۱۸. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد. (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری، ج۶. تهران: انتشارات میقات.
۱۹. خسروی، سید غلامرضا. (۱۳۷۴). ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، ج۴. تهران: نشر مرتضوی.
۲۰. خمینی، روح الله. (۱۳۷۸). آداب الصلوة. تهران: مؤسسه نشر امام خمینی.
۲۱. خمینی، روح الله. (۱۳۹۲). تحریر الوسیله، ج۲. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۲. داوری، محمد. (۱۳۸۸). اخلاق اسلامی. قم: نشر معارف.
۲۳. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۷). لغت نامه دهخدا، ج۱، ج۱۴. تهران: دانشگاه تهران.
۲۴. دسمی، سعید. نشریه تربیتی، معرفتی، بصیرتی و مهارتی، شجره طیبه.
۲۵. دلیمی، حسن بن محمد. (۱۴۰۸ق). أعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسة آل البیت.
۲۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲). مفردات فی غریب قرآن، ج۲. بیروت: دار العلم.
۲۷. ربانی خانی، حشمت الله. (۱۳۷۲). ترجمه بیان السعادة، ج۷. تهران: دانشگاه پیام نور.
۲۸. رشیدی، معظم. (۱۳۹۶). آسیب‌شناسی رفتاری آمران به معروف و ناهیان از منکر و راه‌های اصلاح آن از دیدگاه قرآن و عترت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قم.
۲۹. سروش، محمد و مقدس نیا، سید محمد. امر به معروف و نهی از منکر.
۳۰. ستوده، هدایت الله. (۱۳۷۹). آسیب شناسی اجتماعی. تهران: انتشارات آوای نور.
۳۱. سید احمد احمدی. (۱۳۸۰). اصول و روش‌های تربیت در اسلام. اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۳۲. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن، ج۸. قم: جامعه مدرسین.
۳۳. طبرسی، علی بن حسن. (۱۳۸۵ق). مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار. نجف: المکتبة الحیدریة.
۳۴. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۷ش). تفسیر جوامع الجامع، ج۱. تهران: دانشگاه تهران.
۳۵. طبری، محمد بن رستم. (۱۴۱۵ق). المسترشد فی إمامة علیّ بن أبی طالب. قم: کوشانپور.
۳۶. عبدالحسین، خسروپناه دزفولی. (۱۳۹۰). آسیب شناسی جامعه دینی. تهران: دفتر نشر معارف.
۳۷. علی بن محمد، لیثی واسطی. (۱۳۷۶ش). عیون الحکم و المواعظ. قم: دار الحدیث.
۳۸. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳). تفسیر نور، ج۲. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۳۹. قرائتی، محسن. (۱۳۸۷). امر به معروف و نهی از منکر. تهران: مرکز فرهنگی درسهایی از قرآن.
۴۰. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، ج۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۱. قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۷۷). تفسیر أحسن الحدیث، ج۴. تهران: بنیاد بعثت.
۴۲. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۹). أصول الکافی، ج۳. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیه.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی، ج۲، ج۵. تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۴. کوک، مایکل. (۱۳۸۵). امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی. ترجمه احمد نمایی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۴۵. کوئن، بروس. (۱۳۸۳). درآمدی به جامعه‌شناسی. ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر توتیا.

۴۶. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار، ج۷۵، ج۹۷. بیروت.
۴۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۳۶۴ش). ترجمه بحار الأنوار، ج۱. تهران: کتابخانه مسجد ولی عصر.
۴۸. محمد، محمدی ری شهری. (۱۳۷۷). ترجمه میزان الحکمهٔ، ج۱. قم: دارالحدیث.
۴۹. مسعود بن عیسی، ورام بن أبی فراس. (۱۳۶۹ش). مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام. مشهد: آستان قدس رضوی.
۵۰. مسعودی، محمد اسحاق. (۱۳۸۶). آموزش ملی امر به معروف و نهی از منکر. تهران: پیام آزادی.
۵۱. مصباح یزدی، محمد تقی. (۱۳۹۲). بزرگترین فریضه. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۵۲. مصطفوی، حسن. (۱۳۶۰ش). مصباح الشریعهٔ و مفتاح الحقیقهٔ. تهران: انجمن اسلامی حکمت و فلسفه ایران.
۵۳. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن، ج۹. تهران: مرکز نشر کتاب.
۵۴. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۳). حماسه حسینی، ج۲. تهران: صدرا.
۵۵. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴). تفسیر نمونه، ج۶، ج۱۲، ج۲۴. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۶. موسوی همدانی، سید محمد باقر. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، ج۱۱. قم: انتشارات اسلامی.
۵۷. مؤدب، سیدرضا. (۱۳۷۹). اعجاز القرآن در نظر اهل بیت عصمت (ع). قم.
۵۸. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج۱۲. قم: مؤسسهٔ آل البیت.

مجله اختلالات جنسی و روانشناختی